

تبیین نقش حضور مستشاری ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا (خاورمیانه) و پیامد آن در آینده سیاسی - نظامی ایران

حسین حسنونند^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۴

حسن حیدری^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

ناصر سلطانی^۳

چکیده

حضور مستشاری ایران در مقابله با اهداف متخاصم کشورهای فرامنطقه‌ای (امریکا) و منطقه‌ای (رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی) در منطقه ژئوپلیتیک و راهبردی غرب آسیا انجام گرفت و برای شناخت جنبه‌های این حضور از نظریه و دیدگاه‌هایی از جمله واقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌انگاری و حتی رویکرد نظریه "هرج‌ومرج سازنده" استفاده شده است. در تبیین بهتر موضوع پژوهش از طریق روش تحلیلی - توصیفی برحسب فن تحلیل محتوای ترکیبی از بخش تحلیل خبرگزاری‌های داخلی و خارجی با نرم‌افزار Excel، تأثیرگذارترین مؤلفه‌های هر یک از ابعاد از جمله بعد ژئوپلیتیک با پنج مؤلفه که از بین آنها مؤلفه "حمایت از حکومت‌های همسو" با مقدار ۲۷ درصد، بعد نظامی با پنج مؤلفه که از بین آنها مؤلفه "طرح هدف مهم" (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی غرب آسیا) با مقدار ۴۸ درصد، بعد اقتصادی و اجتماعی هر کدام به ترتیب با تعداد سه مؤلفه که از میان آنها مؤلفه "حمایت مالی از جبهه مقاومت" با مقدار ۵۰ درصد و مؤلفه "تثبیت ایدئولوژی شیعه" با مقدار ۵۲ درصد با ترسیم جدول فراوانی و نمودار ستونی مشخص شد.

واژگان کلیدی

ایران؛ راهبردی؛ حضور مستشاری؛ غرب آسیا (خاورمیانه)؛ ژئوپلیتیک؛ منافع ملی؛ ولایت فقیه

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و دفاع مقدس دانشگاه ارومیه

۲. دکترای جغرافیا، عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه ارومیه

۳. استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)



بحران سیاسی عمیق در منطقه راهبردی خاورمیانه به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای، منافع متعارض، دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای پیچیده و دشوار (یوسفی، ۱۳۹۵) دستخوش منازعات، تحولات و حوادث زنجیره‌ای شده است که عمده حوادث و رویدادهای سیاسی، نظامی، امنیتی را بر آینده کشورهای منطقه غرب آسیا به وجود آورده است (حمدالفتلاوی، ۱۳۸۶: ۱۳) که این بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های، براساس منافع و علائق خود، جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این کشورها که اهمیت ژئوپولیتیک و راهبردی خاصی در منطقه غرب آسیا دارند، اتخاذ نموده‌اند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱). این منطقه، مهد تمدن‌های بزرگ، جنگ‌ها و رقابت‌های واقعی است. در دین‌های تک‌خدایی، گهواره مدنیت‌های کهن بوده، پایه‌های تصوف در این منطقه پایه‌گذاری شده است، جنگ‌های عرب - رژیم صهیونیستی در این منطقه آغاز شده است و به همین دلیل، برای تفسیر و تحلیل مسائل روز این منطقه راهبردی، عدم فراموشی گذشته و تاریخ منطقه و توجه به آن ضروری است؛ چراکه غرب آسیا، در شناساندن تاریخ و ادراکات گذشته، امروز و آینده منطقه، تأثیرگذار و جهت‌دهنده است (یوسفی، ۱۳۹۵). بسیاری از نظریه‌پردازان واقع‌گرا در روابط بین‌المللی بر این باور بودند که نیروی مسلط بر غرب آسیا، تسلط بر جهان را به دست خواهد آورد (حاتمی، ۱۳۸۲: ۹). ایران با حضور مستشاری^۱، به دنبال نمایش قدرت و توانایی خود در مقام تنها نیروی بالقوه برتر منطقه در برابر جریان‌های مخالف به جهان غرب و کشورهای کوچک عرب خلیج فارس است (چمنکار، ۱۳۹۶). این حضور در سطوح مختلفی از جمله در سطح راهبردی، عملیاتی (آموزش فرماندهان سطوح میانی)، فنی و حتی سطح تاکتیکی است که در این سطوح، فرماندهان ایران می‌توانند به فرماندهان عملیاتی نیروهای هم‌پیمان در غرب آسیا مشاوره دهند (سلامی، ۱۳۹۴).

براساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مستضعفین جهان در برابر سیاست‌ها و اقدامات مستکبران جزو وظایف اساسی این نظام است. از این رو، هنگامی که گروه‌های تکفیری تحت حمایت کشورهای غربی

۱. مستشار در لغت به معنای کسی است که انسان او را مورد شور خود قرار می‌دهد و از رأی او در مسائلی که فکرش به آن نمی‌رسد و در مواقعی که او را اشکال و ابهامی دست می‌دهد، استمداد می‌جوید (بی‌نام، ۱۳۲۳: ۱).



دست به کشتار انسان‌های بی‌گناه و تصرف سرزمین‌های آنها در منطقه می‌زنند، ایران نخواهد توانست در برابر این اقدامات نسبت به منافع ملی کوتاه‌مدت خود بی‌تفاوت بماند و در کنار این معرکه به تماشا بپردازد. گذشته‌ازاین، ماهیت ایدئولوژیک حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و مسئولان آن نیز مؤید تلاش برای حمایت از کشورهای هم‌پیمان و بی‌پناه منطقه است (قانون اساسی: ۱۲۹). آیات قرآن کریم نیز بر این موضوع تأکید دارد که مسلمانان باید برای آزادی مظلومان و مستضعفان به مبارزه با ظالمان و مستکبران برخیزند: "وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا": چرا در راه خدا و مستضعفان از زن و مرد و کودک مبارزه نمی‌کنید، کسانی که می‌گویند: خداوندا ما را از این سرزمین که مردمش ستمکارند، رهایی بخش و از جانب خود برای ما یار و یابوری معین فرما" (نساء/۷۵).

اهمیت جدی‌گرفتن تهدیدات، موقعی آشکار می‌شود که جبهه پشت سر گروهک‌های تکفیری و تروریستی را که در کشورهای چوچون سوریه و عراق در منطقه غرب آسیا بحران‌آفرینی می‌کنند و به‌راحتی دست به کشتار مسلمانان و غیرمسلمانان می‌زنند، بشناسیم. پشت سر این گروه‌های تکفیری و تروریستی، یک جبهه غربی، عبری و عربی قرار دارد. هریک از اضلاع این جبهه، با اهداف و انگیزه‌های خاص و مربوط به خود، با همدیگر هم‌گرا و هم‌افزا شده‌اند. تمامی اسناد و شواهد نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از اهداف کانونی برای این جبهه بحران‌آفرین در منطقه است. امریکایی‌ها مدیریت اصلی این جبهه را در دست دارند. دولت‌مردان امریکا با هدف تسلط بر منطقه راهبردی غرب آسیا، نظام جمهوری اسلامی و جریان‌های مقاومت اسلامی و بیداری اسلامی را، سه مانع مهم بر سر راه تحقق این هدف می‌دانند. دراین‌میان، نظام سلطه مانع اصلی را، نظام جمهوری اسلامی دانسته (جوانی، ۱۳۹۴) و «کلان‌برنامه انحلال انقلاب اسلامی در راهبرد نظام استکباری امریکاست» (زیباکلام، ۱۳۹۴: ۶۵) و برای آسیب‌رساندن به این نظام و حکومت با سرمایه‌گذاری‌های کلان چنین جبهه‌ای را در منطقه علیه ایران شکل داده است.

بنابراین، با اندک تأمل در اهداف دست‌اندرکاران پشت صحنه حرکات تروریستی در منطقه، به‌راحتی می‌توان دریافت که آنان استقلال، عزت و امنیت و



به‌خصوص نظام اسلامی را نشانه گرفته‌اند. این دشمنان به‌دلیل اینکه در شرایط کنونی جرئت حمله نظامی مستقیم به ایران را ندارند، با به‌راه‌انداختن جنگ نیابتی در منطقه، به‌دنبال فروریختن متحدین منطقه‌ای ایران مانند دولت سوریه، دولت عراق و حزب‌الله لبنان، با هدف تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه هستند (جوئی، ۱۳۹۴). در این منطقه شاهد تحولات اساسی و تغییرات جدی هستیم. در پی جنبش‌های مردمی و تحولات جدید در این منطقه، بسیاری از نظام‌های سیاسی و نظم منطقه‌ای تغییر یافته و الگوهای مختلفی از تحولات در کشورهای مختلف رخ داده است که تفاوت‌های زیادی با هم دارند. بازیگران فعال در بحران‌های منطقه راهبردی غرب آسیا سعی داشته (و دارند) که با بهره‌برداری از حوادث خونین جاری در سوریه، اهداف و خواسته‌های موردنظر خود را در این کشور محقق سازند. در این ارتباط، می‌توان به مثلث قدرت ایران، ترکیه و عربستان اشاره کرد که هر یک از این بازیگران در پی آنند که از اتفاقات پیش‌آمده در منطقه، بیشترین بهره را برده و تحولات را به سمت وسوی منافع ملی خود، جهت دهند (یوسفی، ۱۳۹۵). ایران، ام‌القرای جهان اسلام و محور مقاومت سوریه، عراق و لبنان است و باید این دژ بزرگ حفظ شود تا انقلاب اسلامی همه سنگرهای کلیدی جهان را فتح کند (فارس، ۱۳۹۶) که اگر غیر این باشد و نیروهای ایران در این کشورها حضور مستشاری نداشته باشند و درمقابل دشمنان مشترک قرار نگیرند، باید در مرزهای داخلی ایران؛ در کرمانشاه و همدان و دیگر استان‌های کشور از منافع ملی ایران دفاع کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

مبانی نظری

تعریف مداخله بشردوستانه

در ارتباط با تعریف «مداخله»، اختلافاتی وجود دارد، مداخله به‌معنای حق هر یک از دولت‌ها برای حمایت از اتباع و اموال آنان در خارج از مرزهای ملی به‌کار رفته و از طرف دیگر، دربرگیرنده عملیات قاهرانه یک یا چند دولت است که با اعمال فشار دیپلماتیک یا استفاده از زور و تهدید قصد دارند، نظر خود را در مورد مسئله‌ای که در قلمرو صلاحیت ملی و حاکمیت دولت دیگری قرار گرفته است، به آن دولت تحمیل نمایند (راعی، ۱۳۸۷). دائرةالمعارف حقوق بین‌الملل، مداخله بشردوستانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «استفاده از زور توسط یک دولت علیه



دولت دیگر به منظور حمایت از جان و آزادی اتباع دولت دیگر که یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند رأساً این کار را انجام دهند (جان‌پرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۳۹) بنابراین، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که مداخله بشردوستانه برای جلوگیری از اعمال خشونت یک دولت علیه اتباع و یا پیشگیری از نقض آزادی‌های مذهبی در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است (حیدری، ۱۳۷۶: ۸۵).

دیدگاه‌ها و نظریه‌ها

مفهوم مداخله بشردوستانه در نظریه واقع‌گرایی

دیدگاه واقع‌گرایان بر نفی مداخله بشردوستانه، در واقع به عنصر عقلانیت، محاسبه‌گری و اصل سود و زیان برمی‌گردد. آنها معتقدند که منافع ملی در صورتی می‌تواند حفظ یا گسترش یابد که منابع آن موجود و توجیه آن عقلانی باشد. بنابراین، مداخله بشردوستانه برای حفظ مردم سایر کشورها با ریختن خون سربازان کشور خویش توجیه‌پذیر نیست. آنها به جنگ مارس ۲۰۰۳ آمریکا و انگلستان علیه عراق اشاره می‌کنند و معتقدند که این مداخله نمی‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای منافع ملی داشته باشد و این جنگ نه برای مداخله بشردوستانه بلکه به دلیل حمایت رژیم صدام از القاعده و تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای صورت گرفته است که آن هم قابل توجیه نیست (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸۱۱). بنابر نگاه واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی، این‌گونه می‌توان استنباط کرد که مداخله بشردوستانه و حقوق بشر، برای این دو رویکرد موضوعیت نداشته و موضوعات اخلاقی و انسانی، کاملاً به محاق فراموشی رفته است (همان: ۸۱۵).

مفهوم مداخله بشردوستانه در نظریه لیبرالیسم

لیبرال‌ها معتقدند که امروزه استانداردهای حقوق بشری تأثیر خود را بر تغییر رژیم‌ها و مداخلات بشردوستانه نهاده است. دوید فورسایت، معتقد است که باید فهم مرتبط با حقوق بشر و مداخله بشردوستانه را در نگرش‌های بین‌المللی به‌مثابه پارادایم تلقی نمود و از به‌حاشیه‌راندن حقوق بشر اجتناب کرد (همان: ۸۱۶). لیبرالیسم از منظر تاریخی، مهم‌ترین چالش‌گر واقع‌گرایی بوده است. با وجود اینکه رهیافت‌های مختلفی از لیبرالیسم در رویارویی با مفهوم حقوق بشر وجود دارد، ولی ایده اصلی این نظریه آن است که انسان دارای حقوقی اساسی چون: آزادی بیان، رفتار عادلانه در روند قضایی و برابری سیاسی در قوانین اساسی کشورهاست (مفیدی احمد، ۱۳۹۴: ۲۰۰). آنها موضع حقوق بشر را نه‌تنها موضعی حاشیه‌ای



نمی‌دانند، بلکه آن را از سازوکارهای نوین روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آورند و معتقدند استانداردهای حقوق بشری امروزه تأثیر خود را در تغییر رژیم‌ها و مداخلات بشردوستانه نهاده و دفاع از حقوق بشر را دفاع از حقوق طبیعی انسان‌ها می‌دانند. در مجموع، باید اذعان داشت که لیبرال‌ها بر اهمیت مسائل اقتصادی، فناوری، زیست‌محیطی و پوییش از جنبه‌های نظامی تأکید می‌ورزند. این بدان معنا نیست که لیبرال‌ها نسبت به مسائل نظامی بی‌اعتنا هستند، بلکه لیبرال‌ها اولویت را عمدتاً به ابعاد غیرنظامی آن می‌دهند (عباسی، ۱۳۹۳: ۳۸). لیبرال‌ها بیان می‌دارند که دولت‌ها به‌تنهایی، بازیگران اصلی در سیاست و روابط بین‌الملل نیستند، بلکه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و... نیز جزء بازیگران اصلی و تأثیرگذار به‌شمار می‌آیند و همچنین طرفداران این نظریه بر حاکمیت دولت‌ها به‌تنهایی مخالفت می‌ورزند و خواستار حاکمیت رسمی (حکومتی) و غیررسمی (غیرحکومتی) هستند (جان‌پرو و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

مفهوم مداخله بشردوستانه در نظریه سازه‌انگاری

نظریه سازه‌انگاری، راهی میانه ارزیابی می‌شود که بین اثبات‌گرایان از یک‌سو و پس‌اثبات‌گرایان از سوی دیگر قرار دارد. این نظریه، کانون بحث در روابط بین‌الملل را از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرد. سازه‌انگاری هم به انگاره‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌ها به‌عنوان عوامل فکری تکوینی و هم به عوامل مادی آن‌گونه که مورد نظر اثبات‌گرایان است، توجه می‌کند. برداشت سازه‌انگاران از روابط بین‌المللی متأثر از نگاه تاریخی و اجتماعی آنها به پدیده‌های سیاسی است. براین‌اساس، جهان بیش از آنکه مادی باشد، اجتماعی است. نظریه سازه‌انگاری ماهیت آنارشیک روابط بین‌المللی را، آن‌گونه که واقع‌گرایان و حتی لیبرال‌ها توصیف می‌نمودند رد می‌کند. مفهوم آنارشی به‌معنای فقدان محدودیت برای رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی غیرقابل دفاع است (همان: ۸۲۰). در شرایطی که مفهوم مداخله بشردوستانه در نگاه لیبرال‌ها براساس فرهنگ و هنجار غربی‌ها صورت می‌گرفت، این سازه‌انگاران بودند که توانستند مفهوم مداخله بشردوستانه را به نحو بهتری توضیح دهند. این مکتب با تأکیدی که بر قواعد و هنجارهای بین‌المللی دارد، بر بعد اجتماعی مفهوم حقوق بشر و برساخته‌شدن آن در روابط بین‌المللی تأکید می‌کند. مفهوم مداخله بشردوستانه، از بعد سخت به بعد نرم (گفتمانی) به‌عنوان ساخت اجتماعی، تغییر یافت (قوام و نجفی‌سیار، ۱۳۹۲: ۷).



براین اساس، سازه‌نگاران تاحدودی با توجهی که به هنجارها و قواعد حقوق بشری دارند، مفهوم مداخله بشردوستانه را دستخوش تغییراتی نموده‌اند و با این تغییر مفهومی توسط هنجارها و ایده‌ها و با اهتمام به ساخت اجتماعی و بین‌الذهانی آنها، عملاً رهیافتی مؤثر و کلیدی در زمینه حقوق بشر گشوده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸۲۶).

رویکرد نظریه "هرج‌ومرج سازنده"

این رویکرد به لزوم اصلاحات دموکراتیک در منطقه آفریقای جنوبی و جنوب غرب آسیا با استفاده از منابع مالی غرب اشاره داشت. البته هدف اصلی بازترسیم موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه بزرگ جهت ممانعت از پیدایش بازیگران مستقل و دراختیارگرفتن منابع انرژی و لجستیک توسط آنها در منطقه بود. رویکرد "هرج‌ومرج سازنده" به‌خودی‌خود نظریه‌ای جذاب برای کشورهای استعمارگر اما درعین حال مبهم است. تعابیر و تفاسیر فراوانی درخصوص این مسئله وجود دارد. برخی‌ها معتقدند نظریه هرج‌ومرج سازنده چنان شرایطی را در کشور قربانی، به‌وجود می‌آورد که می‌تواند «مداخله بشردوستانه» را توجیه کند. برخی دیگر می‌گویند این طرح باعث می‌شود از مداخله نظامی برای غارت منابع طبیعی کشور دیگری پرهیز شود (هفته‌نامه ترکیش ویکلی، ۱۳۹۲). شرایط امروز غرب آسیا دقیقاً مطابق با نظریه "هرج‌ومرج سازنده" کاندولیزا رایس است. نظریه رایس تأییدی است بر وجود یک "نقشه راه نظامی" برای منطقه راهبردی غرب آسیا به ابتکار انگلیس، آمریکا و رژیم صهیونیستی. این پروژه که سال‌ها بود در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی قرار داشت، عبارت است از ایجاد هلالی از بی‌ثباتی، هرج‌ومرج و خشونت که از سوریه، لبنان، فلسطین آغاز شده و تا عراق، ایران و مرزهای افغانستان و سواحل پیمان نظامی ناتو ادامه خواهد داشت. منطقه‌ای که جغرافیای امنیتی ایران یا "هلال شیعی" یا محورمقاومت نام‌گذاری شده است (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

زمینه‌های طرح خاورمیانه بزرگ با تهاجم عراق به کویت از سال ۱۹۹۰ شروع به شکل‌گیری نمود و با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز راهبردهای جدید آمریکا در غرب آسیا به‌خصوص عراق تکمیل شد (معین‌الدینی، ۱۳۸۶: ۶۵). طرح "خاورمیانه بزرگ" در چارچوب ضرورت‌های ناشی از اراده آمریکا جهت دستیابی به جایگاه یک قدرت برتر در منطقه راهبردی غرب آسیا طراحی شده است (همان، ۷۵).



الف. طرح خاورمیانه بزرگ

– طرح خاورمیانه بزرگ؛ تقابل ایران و آمریکا در خاورمیانه

حمایت از ملت‌های مظلوم، جبهه مقاومت و تمامیت ارضی کشورهای منطقه راهبردی خاورمیانه، یکی از نقاط قوت و مایه آبرو برای ایران است که استکبار جهانی به سردمداری آمریکا تلاش دارد تا آن را تحت عنوان «دخالت ایران در منطقه» جلوه داده و به یک مسئله‌ی چالش‌آفرین تبدیل کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰). آنها به نفوذ و تسلطی که الان دارند، قانع نیستند؛ سلطه‌ی مطلق را می‌خواهند؛ دنبال قدرت مطلقه بر همه دنیا هستند؛ از جمله بر این منطقه که سرشار از ثروت‌های طبیعی و انسانی است و نقطه بسیار حساس و مهمی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). اینها می‌خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. "اصل عنصر مقاومت را نظام جمهوری اسلامی" می‌دانند چونکه ایران رهبر جبهه مقاومت است و برای اینکه این مقاومت را در هم بکوبند، حلقه‌ی ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ مانند دولت مردمی منتخب حماس در غزه. استکبار می‌خواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه این داستان‌ها و قضایای این چند سال با این نگاه، تحلیل می‌شود. در جنگ سی‌وسه روزه، وزیر خارجه آمریکا گفت: این درد زایمان منطقه خاورمیانه جدید است! یعنی از این حادثه یک موجود تازه‌ای متولد خواهد شد که همان خاورمیانه‌ای است که آمریکا دنبالش است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

– اهداف سیاسی امپریالیسم از طرح خاورمیانه بزرگ

امروز حساس‌ترین نقطه دنیا منطقه خاورمیانه است. برای خاورمیانه و خلیج فارس و شمال آفریقا برنامه دارند. برنامه آمریکا فقط برای سوریه، عراق، لبنان و یا یمن نیست که دیگر کشورهای عربی بنشینند تماشا کنند که آمریکا به خیال خود حساب سوریه و لبنان را برسد؛ ایران امروز در این منطقه، نقطه‌ای هستش که قدرت ملی و قدرت سیاسی در منطقه را دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴). سیاست‌ها و سوءنیت‌های طرح خاورمیانه بزرگ، متوجه کشور ایران هم هست، با این حال، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا امروز به کلی شکست خورده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷). هدف آمریکا از ارائه طرح "خاورمیانه بزرگ" تغییر ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منطقه راهبردی خاورمیانه در راستای تأمین



هرچه بیشتر حضور نظامی و کسب منافع خود در منطقه و نیز تضمین دائمی امنیت و منافع آمریکا در منطقه از جمله اسرائیل است (جمعه‌ای، ۱۳۸۸: ۹).
با این وجود، هدف عمده امپریالیسم از ارائه این طرح، تغییر وضع موجود مبتنی بر مفهوم تغییر ساختار منطقه است. کشورهای منطقه و بسیاری از صاحب‌نظران مسائل سیاسی منطقه‌ای معتقدند که چالش عمده آمریکا در برابر تأمین دائمی امنیت و منافعش در منطقه امروز "نظام جمهوری اسلامی ایران" است. نخستین گام در راه تحقق این طرح حمله به افغانستان و سپس به عراق بوده است. این تهاجمات نگرانی کشورهای منطقه خصوصاً ایران را تشدید نموده است (جمعه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۰ - ۹). از دیگر اهداف عمده سیاسی این طرح، عادی کردن حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و در دست گرفتن سرنوشت سیاسی منطقه و آسیب‌رسانی بیشتر به استقلال کشورهای منطقه است (مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷). یکی از تهدیدات عمده این طرح‌های نواستعماری نظیر طرح خاورمیانه بزرگ برای کشورهای منطقه خاورمیانه، خطر نفوذ سیاسی و ایجاد جنگ‌های جدید در شرق و حضور نظامی استعمارگران غربی در این منطقه می‌باشد (جمعه‌ای، ۱۳۸۸).

ب. حضور مستشاری

- تاریخچه حضور مستشاری

موضوع مستشاران خارجی مسئله‌ای است که از دیرزمان نظر شرقیان عموماً و ایرانیان خصوصاً را به خود معطوف داشته بود و از چند قرن پیش، اولیای امور کشور و مصادر مملکت در صدد بوده‌اند که با دعوت مستشاران خارجی به ایران، اصلاحاتی در کلیه شئون کشور خود بنمایند (عاقلی، ۱۳۸۳). ورود خارجی‌ان به این کشور از زمان صفویه شروع می‌شود و در دوره‌های بعد این فکر تقویت یافته و دولت‌ها همواره برای سامان دادن به کارها و ایجاد بنیان و شالوده صحیح از مستشاران خارجی، استمداد طلبیده‌اند. اولین هیئت مستشاری که به ایران وارد شد، در زمان شاه طهماسب اول، دو برادر به نام رابرت و آنتونی شرلی اهل پرتغال بودند که در فنون نظامی و قشون، اطلاعات عمیق و تجربیات کافی داشتند و بنا به دعوت شاه ایران به قزوین پایتخت آن روز ایران در دوره صفوی قدم نهادند (همان، ۱۳۸۳).



– اهداف حضور مستشاری

مشاوران نظامی [یا مشاوران جنگی] سربازانی هستند که با اجازه و هماهنگی فرماندهان و یا سران سیاسی کشور خود به کشورهای خارجی با هدف کمک به آن کشورها برای [آموزش نظامی، سازمان، و دیگر وظایف مختلف نظامی] فرستاده می‌شوند. برای مثال وقتی کشوری تجهیزات جدید نظامی و... از کشور خارجی دیگر تأمین کند، نیاز دارد که یا افرادی را برای آموزش به آن کشور بفرستد که در آنجا آموزش ببینند و به کشور خود برگردند و از آن تجهیزات استفاده کنند [اعزام دانشجو] و یا افراد متخصص که می‌توانند از تجهیزات استفاده کنند را (از کشور فروشنده تجهیزات) وارد کشور کند تا به نیروهای داخلی آموزش دهند. به این افراد مستشار و به عمل و شغل آنها مستشاری گفته می‌شود. اعطای کمک‌های نظامی و تجهیزات پیشرفته مستلزم اعطای کمک‌های آموزشی نیز هست. (رواسانی، ۱۳۶۷: ۲۳۱). یکی دیگر از اهداف حضور مستشاری در قالب اهداف دفاعی و نظامی است. اهداف نظامی، هدف‌های خاصی هستند که تلاش‌ها و منافع نظامی برای تحقق آنها به کار می‌روند؛ از جمله: بازدارندگی از تجاوز، حفظ خطوط ارتباطی، دفاع از مرزها، اعاده سرزمین‌های از دست رفته، شکست دشمن و غیره... در راهبرد نظامی می‌توان اهداف حضور مستشاری را ماهیتاً نظامی دانست؛ چراکه جنگ و سیاست رابطه بسیار تنگاتنگی با هم دارند. مبادرت به جنگ در قالب حضور در یک منطقه صرفاً به دلیل نقش جنگ نیست، بلکه در پیگیری یک سیاست است. بنابراین، اهداف نظامی باید تحت حاکمیت اهداف سیاسی باشد، اگرچه سیاست هم نباید چیزی را طلب کند که نیل به آن از نظر نظامی ناممکن باشد. لازم به ذکر است هدف نهایی، سیاست ملی است که به ندرت صرفاً سیاسی یا نظامی است. اهداف سیاسی و نظامی از یکدیگر کاملاً متمایزند (دانش آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵: ۱۶ - ۱۵).

– انواع حضور مستشاری

با کمبود مستشار و خبرگان بومی در هر دولت و ملتی، به ناچار دست توسل به دامن خارجیان برای یاد دادن اصول جدید تمدن و وارد کردن اصلاحاتی در شئون زندگانی از جمله "مسائل نظامی، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و بهداشت" دراز می‌شود. یک نیروی مستشاری در ابعاد ذکر شده اگر در یک کشور میزبان حضور پیدا می‌کند، باید جوانب اخلاق، جوانمردی و خدمت را رعایت کند. بلی روزگاری



بود در ایران، که اگر کسی باصطلاح ما نان و نمک دیگری را می‌خورد یا خدمت مخدومی را می‌پذیرفت، اگر او را قطعه‌قطعه می‌کردند، تن به حق‌شکنی و کارشکنی نمی‌داد و نسبت به ولی نعمت، دولت میزبان و مخدوم خود مرتکب بی‌وفائی یا خیانت نمی‌شد. امروز اندک مستشارانی هستند در سراسر جهان، مردم پاک‌سرشت و نجیب که همین اصل را رعایت کنند و در مقابل حق دوستی و پیمان، نعمت حضور خود را به ننگ ناسپاسی و پیمان‌شکنی آلوده کنند. توقع امروز از حضور مستشاران خارجی این است که به وعده‌ها، دوستی‌ها، حس خدمت و همجواری به دولت - ملتی جز حفظ مصالح آن کشور میزبان هیچ قصد و غرضی دیگری در میان نداشته باشند، اما باید به این امر توجه داشت که بازی‌های سیاسی و اقتصادی امروز حضور مستشاری، حتی اگر به بهانه خدمت، دوستی و بده‌بستان‌های گذشته باشد، باز امکان این که برای دستیابی به منافع سیاسی - نظامی و اقتصادی خود باشد، دور از ذهن نیست (بی‌نام، ۱۳۲۳). در رژیم گذشته (پهلوی)، چند سالی که مستشاران نظامی امریکا در کشور ایران بودند، باینکه مزدور و کارمند و حقوق‌بگیر دولت ایران بودند، درعین حال در موارد زیادی، بر تمام ارکان نظامی و حتی غیرنظامی دولت حاکمیت داشتند و آقایی و فساد می‌کردند و جان و مال و ناموس مردم آنجایی که اینها حضور داشتند، در اختیارشان بود. وقتی که همین نیرو به‌عنوان دفاع از یک دولت یا یک کشور، وارد آن سرزمین بشوند، با هدف اینکه در نقطه‌ای برای خودشان پایگاه درست کنند، بر کل منطقه اشراف پیدا می‌کردند و روزبه‌روز قدرت خودشان را توسعه و تجاوزکاریشان را بیش‌ازپیش افزایش می‌دهند و همین امر باعث شده حضور امریکایی‌ها برای آن ملت و ملت‌های منطقه، ارزان تمام نشود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

ج. هزینه‌ها و اهداف منافع ایران در قالب حضور مستشاری در منطقه غرب آسیا - هزینه‌های ایران در بعد منافع ملی

منافع ملی، مفهوم وسیعی است که تنها به‌معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی نیست و ممکن است حیطة وسیعی شامل هزینه‌های نظامی و اقتصادی و حراست از امنیت و هزینه‌های نظامی برای جنگیدن و دفاع از مرزها و مناطقی مهم یک کشور در نظر گرفته شود. این هزینه‌ها با طولانی‌شدن بحران و نیز لزوم دفاع از متحدین کشورها بیشتر می‌شود. دیگر هزینه‌هایی که می‌توان به آن افزود،



از جمله هزینه‌های معنوی مثلاً شهادت نیروهای ایرانی در سوریه و عراق، (روشندل، ۱۳۷۴: ۳۳)، دستیابی به انرژی، منابع مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و... را نیز باید به این هزینه‌ها افزود (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴).

– چشم‌انداز ایران از حضور مستشاری در منطقه

وزیر دفاع امریکا اظهار می‌کند که ایران از بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه و یمن پشتیبانی می‌کند، وی از ایران خواست که به تعبیر او، «از نقش یک نهاد انقلابی که قصدش ترویج تخریب و تروریسم در سراسر جهان است، دست بکشد» و ادعا می‌کند که ایران در منطقه راهبردی خاورمیانه نفوذ و حضور بی‌ثبات‌کننده دارد (ایرنا، ۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران معتقد است امریکا و رژیم صهیونیستی با هدف تضعیف مؤلفه‌های امنیت ملی ایران به دنبال حذف جبهه مقاومت در منطقه هستند و در این خصوص تجربیات دیگری از جمله به‌راه‌انداختن جنگ ۲۲ روزه غزه با هدف از بین بردن توان مقاومت فلسطینی و جنگ ۳۳ روزه با هدف نابودی حزب‌الله لبنان را داشته‌اند. بنابراین، سیاست خارجی ایران به هیچ‌عنوان نمی‌تواند نسبت به تحولات هم‌پیمانان خود که می‌تواند در سرنوشت معادلات منطقه و به‌هم‌خوردن احتمالی موازنه امنیتی به ضرر ایران تعیین‌کننده است، بی‌تفاوت باشد (رفیعی، ۱۳۹۵: ۵). اگرچه در مقطعی از دوره معاصر برخی صداهای مخالف علیه رویکرد ایران در سوریه بلند شد، ولی امروزه اکثر تحلیل‌گران و مردم عادی معتقدند پیگیری رویکردهای منطقی ایران در منطقه و سوریه سبب افزایش جایگاه منطقه‌ای کشور شده است. حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در سوریه، سبب تقویت موازنه قوای منطقه‌ای به نفع ایران شده؛ امری که سبب واکنش‌های منفعلانه عربستان شده است (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۹).

– اثرات حضور مستشاری ایران بر کشورهای منطقه

امروز عراقی‌ها می‌گویند اگر حمایت ایرانی‌ها نبود، عراق متلاشی می‌شد و ناموسشان دست تکفیری‌های حاضر در منطقه بود. این حرف کمی نیست. این حمایت مستشاری، حمایت نظامی و مالی نیست، در درجه اول حمایت معنوی است. رهبر ایران علناً اعلام کردند ما از مظلوم حمایت می‌کنیم، از کسی که با رژیم صهیونیستی مقابله کند، از آن حمایت خواهیم کرد. اگر رهبر ایران اشاره می‌کند که کرانه باختری تجهیز بشود. این تنها به‌معنای آن نیست که پول و



سلاح به آنها برسانیم، بلکه معنای دیگری از آن متصور است که مردم در کرانه باختری مجهز به فرهنگ انقلاب اسلامی و فرهنگ مقاومت بشوند. ایران اعلام نمی‌کند که اصلاً در منطقه راهبردی غرب آسیا حضور ندارد، بلکه اعلام می‌کند که حضور مستشاری دارد، تجربیات خود را به نظامیان سوری و عراقی منتقل می‌کند و فرهنگ انقلاب اسلامی را در آنجا تبلیغ می‌کند. امروز حضور مردمی، حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن، حشدالشعبی در عراق و دفاع وطنی در سوریه را نظاره‌گر هستیم؛ اینها صدور انقلاب و اثر فعالیت مستشاری ایران در منطقه است (مشرق، ۱۳۹۴).

- ایران و طرح "هدف مهم" در منطقه راهبردی

حضور مستشاری فقط در بعد نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشت و... تعریف می‌شود. از زمان شروع بحران در منطقه راهبردی و به‌خصوص در سوریه و عراق، نظام جمهوری اسلامی هدف حضورش را عمدتاً در قالب حضور مستشاری و برخلاف ادعای دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس می‌داند که این حضور را به دخالت سیاسی - نظامی در منطقه اطلاق می‌کنند. براین اساس زمانی دنیا به دو بلوک غرب و شرق تقسیم می‌شد، اما باید گفت کشورهای جهان سوم که تا دیروز مستعمره، پل ارتباطی و وسیله پیروزی‌های آن کشورهای استعمارگر بین خود بودند، امروز همان کشورها به آنچنان توانایی‌های سیاسی - نظامی در منطقه دست یافته‌اند که به جرئت می‌توان گفت که دیگر خبری از تقسیم قدرت بین دو بلوک نخواهیم بود. در حدود سال ۲۰۰۳ بود که طرح خاورمیانه بزرگ را با اهداف مشخص، مطرح کردند. قصد داشتند در یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی جهان (آسیای غربی) یا همان منطقه "هارتلند" حکمرانی کنند. پس از گذشت حدود ۱۵ سال از طرح مذکور، امروز در مقابل آن، طرح "هدف مهم" قرار دارد و باید اعلام کرد که امروز، چه ایدئولوژی و حکومتی نسبت به گذشته در منطقه بیشترین حضور و تأثیرگذاری را دارد. بعد از جریانات شکل گرفته در منطقه می‌توان ادعا کرد که از بعد نفوذ سیاسی - نظامی قسمتی از خاورمیانه امروز از آن ایران است و این همان نمود طرح "هدف مهم" است و اگر ایران می‌خواهد اهداف این طرح را در قالب حضور تأثیرگذارش در منطقه گسترش و ادامه دهد، باید با یک دید و منش دوستانه در منطقه حاضر شود، حتی الامکان ایران سعی کند حضورش را در آینده با دخالت‌های ژئوپلیتیکی، نظامی، اقتصادی و



اجتماعی در سیاست خارجه و امور داخلی کشورها و دولت‌ها درهم نیامیزد؛ تا در آینده نزدیک سیاست نفوذ در منطقه را دردست بگیرد. حضور ایران در منطقه هزینه‌های زیادی از زمان بحران‌ها در سوریه و عراق در پی داشته است. از جمله هزینه‌های اقتصادی تحمیل‌شده به امور دفاعی و لجستیکی کشور، بودجه اختصاص‌یافته به امور نظامی برون‌مرزی کشور و هزینه‌های دیگری مانند هزینه معنوی، شهادت نیروهای ایرانی در قالب حضور مستشاری. این حضور که از طرف مسئولین کشوری و لشکری به مستشاری تبیین شده است و در آینده نزدیک به دلیل رخدادهای و دسیسه‌های نوینی در قالب فتنه دینی در اشکال مختلف که اقتضا و خوراک سیاست منطقه راهبردی خاورمیانه است، از طرف دولت‌های امپریالیسم غرب از جمله امریکا و برخی از دول غرب‌زده در منطقه که از این نوع سیاست نفوذ ایران واهمه دارند، بروز و رسوخ خواهد کرد و این امور هزینه‌ها را برای آن "هدف مهم" گزاف‌تر خواهد کرد. بنابراین، چون منطقه راهبردی برحسب شرایط کشورهای حوزه خلیج‌فارس، لباس تزویر دین بر تن کرده است، هرکدام با این پرچم به دادخواهی برمی‌خیزند و امروز ایران پرچم راستین اسلام و دادخواهی مستضعفین در منطقه و مرکز اصلی جبهه مقاومت را برعهده گرفته و باید بیش‌ازپیش به این پرچم راستین برای آن "هدف مهم" اهتمام ورزد. براساس تفسیر سوره انفال آیه ۵۳، اگر حق اهتزاز این پرچم برای آن "هدف مهم" به نحو مناسب در سایه پرچم برافراشته‌شدن اسلام محقق نشود و از ریل صراط خود خارج شود، آن نعمت بزرگ (نفس پرچمداری اسلام راستین) برای آن "هدف مهم" خود در آینده نزدیک در منطقه، تبدیل به نعمت و هزینه برای ایران شده و مانع از دستیابی ایران به آن "هدف مهم" خواهد شد.

د. ائتلاف‌های مهم و تأثیرگذار در غرب آسیا

– ائتلاف‌های منطقه‌ای

ائتلاف‌های منطقه‌ای را می‌توان به دو محور و جبهه مخالف تقسیم کرد:

۱. محور تأثیرگذار جبهه مقاومت جمهوری اسلامی ایران

در چند سال اخیر در غرب آسیا، نظام جمهوری اسلامی ایران به دلایل ساختاری و کارگزاری، قدرت سیاسی - نظامی و نفوذ ایدئولوژیک خود را در این منطقه راهبردی افزایش داده است (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲). ایران در منازعات منطقه رویکرد حفظ وضع موجود را دنبال می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران



منطبق با اصل ۱۵۲ قانون اساسی، خود را براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابرب استوار نموده و براین‌اساس در مبارزه با امریکا و رژیم صهیونیستی و دفاع از نهضت مردمی مقاومت در برابر این رژیم، سیاست خارجی ایران نقش اساسی را ایفا می‌نماید. ایران خود را رهبر و مرکز جناح جبهه مقاومت در برابر امریکا و رژیم صهیونیستی می‌داند و چون دمشق یکی از اعضای مهم جبهه مقاومت است، تغییر وضع موجود در سوریه یعنی تضعیف محور مذکور و این با اهداف و منافع ملی و امنیتی جمهوری ایران اسلامی مغایر است (همان: ۸۴) و استکبار جهانی به سردمداری امریکا امروز در مسئله سوریه، عراق، بحرین، افغانستان، یمن و... مانده است (مشرق، ۱۳۹۴).

بنابراین، ایران درقبال بحران‌های منطقه غرب آسیا که متوجه محور مقاومت ازجمله بحران داخلی سوریه، عراق و یمن است، در برابر تهدیدات مشترک مخالفین داخلی و خارجی، از راهبرد کلان موازنه تهدید در منطقه بهره می‌گیرد (نظامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

حکومت سوریه

بدون‌شک اتحاد ایران و سوریه یکی از مهم‌ترین اتحادهای سطح منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌رود (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۵). حضور ایران در سوریه براساس منافع ملی و عمل‌گرایانه است، اما کشورهای عرب آن را ایدئولوژیکی و درراستای بهره‌گیری از نقش عنصر شیعی درجهت تشکیل و تکمیل هلال شیعی و افزایش نفوذ در منطقه اعلام می‌دارند. سوریه به‌عنوان منطقه ویژه حوزه نفوذ ایران و هم‌مرز با دشمن مشترک (رژیم صهیونیستی) از اهمیت ویژه‌ای برای ایران برخوردار است. روند حمایت ایران از دولت سوریه در همین وضعیت ایدئولوژیک تحلیل می‌شود؛ البته دارای منافع راهبردی فراوانی هم برای ایران است. جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از دولت سوریه به‌دنبال آن است تا ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای خود، رژیم صهیونیستی مهم‌ترین دشمن راهبردی خود را با محدودیت‌های جدی همراه سازد. همسایگی سوریه با این رژیم و حدود ۴۰ سال اختلاف با آن از مواردی است که جایگاه سوریه را در سیاست خارجی ایران برجسته می‌سازد. نقش سوریه در مخالفت با کشورهای عربی، از موارد دیگری



است که در صورت همسویی سیاست‌های آینده با ایران توفیق بزرگی را در منطقه نصیب ایران می‌کند. لذا باید گفت، ایران در راستای پیشبرد رویکرد واقع‌گرایی تدافعی خود باید تاحدامکان از تخریب داشته‌های راهبردی خود در سوریه جلوگیری کند و در پی عدم‌تغییر وضعیت در توازن قبلی بین دو کشور باشد (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۸۱ - ۸۰) ایران به واسطه سوریه با اسرائیل هم‌مرز شده و این شرایط بسیار مناسبی را برای دفاع نامتقارن و بازدارندگی نظامی ایران فراهم نموده است. با توجه به رهنامه (دکترین) دفاعی جمهوری اسلامی ایران (دفاع نامتقارن) یکی از راه‌های عمق‌بخشی راهبردی در بعد خارجی، حمایت از گروه‌های مردمی همسو در غرب آسیا در راستای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران است. این گروه‌ها (حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین، حماس، عراق، یمن و...) در حال حاضر در حساس‌ترین مناطقی قرار گرفته‌اند که می‌توانند موجودیت دشمنان جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهند (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲: ۸۸)

دولت عراق

حوزه ژئوپلیتیک عراق دارای نیروهای همگرا و واگراست که تحت شرایط خاص عمل می‌کنند و دائم با یکدیگر در حال رقابت هستند. عراق با تحولاتی روبه‌رو بوده که به تغییر و تحول در ساختار قدرت و هویت آن منجر شده و نتیجه‌ای جز دگرگونی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران و کنش‌گران منطقه‌ای نداشته است. گروه‌های قومی و مذهبی، هیدروپلیتیک، هویت ملی و هویت عربی، منابع نفتی و درآمدهای عظیم ناشی از آن و کیفیت دسترسی به خلیج فارس و... در آمایش و روند تحولات عراق باعث اتخاذ راهبردهای ژئوپلیتیک شده است که بسته به وضعیت عراق و نوع و ترکیب حکومت این کشور، بر امنیت ملی ایران اثر گذاشته است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰). هدف دخالت و حضور نظامی آمریکا تحت عنوان مبارزه با داعش در عراق نابودی و تجزیه این کشور است. مداخله آمریکا و ائتلاف، شکافی را برای تجزیه عراق به وجود می‌آورد (خراسان، ۱۳۹۳). عراقی‌ها معتقدند که گسیل نیروی زمینی آمریکا به عراق، علاوه بر «اشغال دوباره این کشور از سوی آمریکا»، «حلقه‌ای از برنامه آمریکایی‌ها برای تجزیه عراق» است (خراسان، ۱۳۹۴). ایران و عراق به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در مقاطع تاریخی، همواره تحت تأثیر کنش‌های همگرایانه/ واگرایانه برخاسته از واقعیت‌های



جغرافیایی فیمابین و منطقه‌ای بوده‌اند، زیرا عامل جغرافیا به‌گونه‌ای خود را به نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و داده‌های سیاست خارجی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قوام، ۱۳۸۸: ۹۲) و ایران هم‌اکنون پایگاه محکمی نزد شیعیان عراق به‌عنوان اکثریت این کشور دارد. ریشه‌های مشترک قومی با کردها می‌تواند راه را برای ایجاد روابط مناسب‌تر با آنان بگشاید. این مورد امتیازی است که اعراب و ترک‌ها از آن بی‌بهره‌اند. حمایت از کردها علاوه‌بر شیعیان، می‌تواند دو بازوی قدرتمند مذهبی و قومیتی به ایران بدهد که در صورت هر اتفاق اعم از تجزیه و یا خودمختاری در این مناطق دست ایران برای پیگیری سیاست‌هایش را باز نگه می‌دارد (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۲۲ - ۲۱).

حزب‌الله لبنان

یکی از بازیگران منطقه‌ای که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه گذشته بسیار اثرگذار بوده، حزب‌الله لبنان است (باقری و بصیری، ۱۳۹۴: ۵۰). حزب‌الله لبنان مهم‌ترین جنبش اسلامی در دهه‌های اخیر بوده و از مهم‌ترین جوامعی است که تأثیری شگرف از آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است. آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین عامل تشکیل حزب‌الله لبنان بوده و تأثیر فراوانی بر این گروه شیعی داشته است (خسروشیری و جوان، ۸۸). به‌طور کلی عواملی که به بیداری و خیزش سیاسی حزب‌الله به‌عنوان یک جنبش شیعی انجامید، عبارتند از: الف. محرومیت‌های اجتماعی و سیاسی؛ ب. تهاجم اسرائیل به لبنان و ج. نقش ایران و سوریه (سعد غریب، ۱۳۸۴: ۱۸). در خصوص اهمیت حزب‌الله در راهبرد جمهوری اسلامی ایران باید گفت، حمایت ایران از حزب‌الله و اقدامات موفق این جنبش در مقابل رژیم صهیونیستی اعتبار بازدارندگی ایران را در منطقه افزایش می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که حزب‌الله به‌صورت غیرمستقیم بر ابعاد سیاسی - نظامی ایران با توجه به جایگاه ژئوپلتیک آن در مرزهای شمالی اسرائیل اثرگذار است. این جنبش بازدارندگی غیرمستقیم ایران را در منطقه راهبردی و در مقابل رژیم صهیونیستی و امریکا و هم‌پیمانان آنها به‌نمایش می‌گذارد و آن را تقویت می‌کند (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۷ - ۱۳۶) و هدف اصلی و اولیه خود را باید مبارزه با اشغال‌گران صهیونیست بر اساس اصول اساسی اسلام و فرامین امام خمینی (ره) دانست (کاکایی و سالاری، ۱۳۹۲: ۱۸۸).



یمن، یکی از حاصل خیزترین مناطق شبه جزیره عربستان به شمار می‌رود و به علت موقعیت راهبردی خاص جغرافیایی و بنادر و جزایر مهم، مطمحنظر استعمارگران در طول تاریخ بوده است. این کشور از لحاظ راهبردی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا یمن جنوبی در بخش شمال غربی و شمال شرقی «باب‌المنذب» قرار گرفته و این تنگه بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب است. این کشور یکی از نقاط راهبردی شرق و غرب است. یمن با تسلط بر تنگه «باب‌المنذب» قادر به کنترل دریای سرخ بوده و حتی می‌تواند آنجا را با دراختیارداشتن جزیره مهم و راهبردی «بریم» ببندد (کریملو، ۱۳۷۴: ۲۹ - ۳۰).

متعاقب آن در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ مصادف با ۶ فروردین ۱۳۹۴ ائتلافی از برخی کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان سعودی حملات هوایی خود را با نام عملیات «توفان قاطعیت - عملیه عاصفه الحزم» علیه یمن آغاز کردند. در این عملیات هواپیماهای عربستان، امارات، قطر، کویت، بحرین، مراکش، مصر، اردن و سودان تلاش‌های گسترده‌ای را برای وحدت جبهه خود از سر گرفتند (خراسان، ۱۳۹۳). ناامنی در کشوری کوچک به نام یمن به این دلیل دارای اهمیت است که این کشور عربی برای قدرت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه عربستان سعودی و تا حدودی ایران و همچنین، قدرت‌های فرامنطقه‌ای مهم و راهبردی تلقی می‌شود. عربستان سعودی همواره به دلایل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی نگاه ویژه‌ای به تحولات یمن داشته است. نظام جمهوری اسلامی ایران هم باتوجه‌به جایگاه راهبردی یمن در خاورمیانه و بافت جمعیتی آن که شامل شیعیان زیدیه می‌شود، تحولات سیاسی این کشور عربی را از نزدیک دنبال می‌کند. امریکا نیز به‌ویژه پس از یازدهم سپتامبر توجه ویژه‌ای به یمن داشته است. امریکا به دلیل وجود تروریسم؛ به‌ویژه فعالیت شاخه القاعده در این کشور و همچنین هم‌پیمانی با عربستان سعودی، از تحولات یمن غفلت نورزیده است (نیاکوئی و اعجازی، ۱۳۹۵: ۴۰). حوثی‌ها از نظر فکری و ایدئولوژیک متأثر از انقلاب اسلامی ایران هستند و قدرت‌گیری آنها در یمن نگرانی عمیق عربستان از تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران را برانگیخت. از نظر عربستان، حوثی‌ها نیروهای نیابتی ایران در یمن هستند و عربستان تلاش نمود با حمایت مالی از قبایل و جریان‌های نزدیک و



همچنین، تلاش‌های دیپلماتیک و مداخله مستقیم نظامی، تحولات یمن را مدیریت کند (نیاکوئی و اعجازی، ۱۳۹۵: ۵۴).

مسئولین ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران به حمله‌های برخی کشورهای منطقه در رابطه با دخالت‌های سیاسی و حضور مستقیم نظامی ایران در برخی کشورهای منطقه واکنش نشان داده که هر جا ملت اسلامی تحت ظلم باشد، از آنها حمایت کرده و در کشورهای دیگر از جمله یمن، حمایت‌های ایران و کمک‌هایش به جبهه مقاومت بنا به درخواست حاکمیت و مردم آنان صورت گرفته و "یمن" یک نمونه از جبهه مقاومت است. امروز در یمن، حکومت در دست انصارالله است و کمک‌های ما هم عمدتاً در حد کمک‌های مستشاری و عمدتاً معنوی است و حتی‌الامکان حمایت ایران از جبهه مقاومت در کشورهای مختلف تفاوتی نمی‌کند (جعفری، ۱۳۹۶).

۲. محور تأثیرگذار مخالف جبهه مقاومت، (عربستان سعودی، جبهه عبری - عربی و ترکیه)

عربستان سعودی در قبال منازعات منطقه‌ای، رویکرد تغییر وضع موجود را دنبال می‌کند (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲: ۷۹). عربستان سعودی محور و سایر دولت‌های عربی از جمله قطر و امارات و همچنین ترکیه از جمله بازیگرانی محسوب می‌شوند که بعد از شکل‌گیری منازعات داخلی در سوریه و عراق به شکل جدی در پویش‌های امنیتی منطقه درگیر شده‌اند. به‌طور کلی فصل مشترک اهداف بازیگران این محور، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران است که سعی می‌کنند با استفاده از ابزارهای تغییر رژیم در سوریه و کاهش نفوذ شیعیان در ساختار سیاسی بدان دست یابند. از دیدگاه این دولت‌ها نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و به‌خصوص بعد از سقوط صدام، تهدیدهای امنیتی را برای این بازیگران افزایش داده است. هدف مشترک این دولت‌ها سقوط بشاراسد و کاهش نقش شیعیان در آینده ساختار سیاسی عراق است (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۲ - ۹۷). عربستان و سایر دولت‌های عربی همواره دنبال جداکردن محور مقاومت و به‌خصوص سوریه از اتحاد راهبردی با ایران بوده‌اند. به‌همین دلیل، تلاش‌های دیپلماتیک متعددی را از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ انجام داده‌اند که در نهایت با شکست مواجه شد. شروع بحران در مارس ۲۰۱۱ فرصتی را برای رسیدن به این هدف با ابزار حمایت از مخالفان برای تغییر رژیم در سوریه فراهم آورد. هرچند در چهار ماه ابتدای بحران، رویکرد این



بازیگران نسبت به رژیم سوریه چندان خصمانه نبود، ولی در ادامه هدف آنها به تغییر رژیم در سوریه تغییر پیدا کرد. در عراق نیز همواره عربستان و سایر دولت‌های عربی به دنبال تغییر موازنه در رأس هرم قدرت به نفع خویش و به هزینه جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند تا بتوانند از نفوذ ایران در عراق بکاهند (هراتی و همکاران ۱۳۹۴: ۱۷۲). در واقع، عربستان سعودی و سایر گروه‌های عبری - عربی و حتی ترکیه افزایش قدرت و نفوذ منطقه ای ایران را به عنوان یک تهدید فزاینده علیه منافع خویش برداشت می‌کنند. این نگرانی ایران در عراق بعد از صدام بیشتر نیز شده است. در مجموع، باید عنوان کرد که هدف اصلی دولت‌های عربی در بطن منازعات داخلی سوریه و عراق گسست در محور موازنه تهدید در راستای کاهش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۵). رژیم صهیونیستی نیز اهدافی در منطقه راهبردی غرب آسیا دارد. این اهداف در نتیجه ضعف‌های ژئوپلیتیکی این رژیم همچون نداشتن عمق راهبردی و جمعیت ناهمگن و نیز نداشتن مشروعیت و عداوت افکار عمومی مردم منطقه، در مقابل قدرت امنیتی و نظامی شکل گرفته است (دهقانی فیروزآبادی و آجرلو، ۱۳۹۲). این اهداف عبارتند از ۱. بی‌ثبات کردن کشورهای منطقه، ۲. جلوگیری از گسترش و نفوذ جبهه مقاومت به رهبری ایران در منطقه، ۳. ایجاد اختلاف و فتنه میان کشورهای منطقه، ۴. ایجاد اختلافات مذهبی، ۵. روی کار آمدن نظام‌های غرب‌گرا در منطقه، ۶. تجزیه کشورهای منطقه، ۷. مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی، ۸. جلوگیری از نفوذ ایدئولوژیکی ایران در منطقه، ۹. و از همه مهم‌تر براندازی و ضربه به نظام جمهوری اسلامی ایران است. گذشته از اینها باید توجه داشت که همکاری‌های دیپلماتیک و اطلاعاتی گسترده‌ای میان عربستان سعودی و ترکیه با رژیم صهیونیستی آغاز شده است که خود پیوندهای پنهان و آشکاری را میان اتحاد منطقه‌ای مخالف جبهه مقاومت به رهبری ایران نمایان تر می‌سازد.

به‌طور کلی از نظر بسیاری از محققان، ناکامی رویداد بیداری اسلامی در کشورهای منطقه باعث شد که لحن مقامات صهیونیست شدیدتر شده و سیاست خارجی این کشور مستقل‌تر و تهاجمی‌تر شود و حتی برخی بر حمایت پنهان این رژیم از داعش برای تضعیف جبهه مقاومت تأکید کرده‌اند (دهشیری و مشتاقی، ۱۳۹۴).



ائتلاف فرامنطقه‌ای

منازعات در منطقه راهبردی خاورمیانه باعث ورود دو بازیگر فرامنطقه‌ای روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی و آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی در پویش‌های امنیتی منطقه شده است. هرچند که بازیگران دیگری همانند اتحادیه اروپا و چین نیز به این منازعات واکنش نشان داده‌اند، اما به شکل اساسی در پویش‌های امنیتی منازعات درگیر نشده‌اند.

امریکا

امریکا قدرتمندترین بازیگر دخیل در منازعات در منطقه است (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲: ۷۴). حضور مستقیم نظامی آمریکا در منطقه برای دستیابی به قدرت حاکم بر منطقه و کسب منافع خود است (همان: ۱۳۹۲). انتقادهای درباره ناسازگاری سیاست خارجی کنونی آمریکا در غرب آسیا، به اندازه انتقادهای به بی‌ارادگی‌اش در منطقه وجود دارد. آمریکا در پی تلاش برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه راهبردی غرب آسیاست. آمریکا از یک‌طرف از اتحاد ایران و دولت عراق علیه شورشیان مسلمان سنی که نقش مهمی را بازی می‌کنند، حمایت می‌کند، ولی از طرف دیگر مخالف اتحاد ایران با دولت بشار است و از شورشیان سنی علیه ایران حمایت می‌کند. از دموکراسی در مصر حمایت می‌نماید، اما از فشار آوردن به کودتای نظامی خودداری می‌کند. به نظر می‌رسد که درک راهبردی ایالات متحده در قبال منازعات سوریه و عراق در قالب راهبرد کلان این کشور در غرب آسیا قابل تبیین باشد (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۵). یکی از طراحان نظامی عالی‌رتبه آمریکا اذعان می‌کند «آسیب‌پذیری ما در منطقه راهبردی خاورمیانه بسیار زیاد است» (هرش، ۱۳۸۵). نوع نگاه آمریکا نسبت به منطقه و منازعات از منظر جنگ سرد جدید خاورمیانه نیست. در صورتی که آمریکا نگران توازن قدرت در منطقه است، منافع آمریکا به صورت جدی مربوط به منازعات ایران و عربستان نیست. اینکه چه کسی بر سوریه حکومت می‌کند به اندازه تهران و ریاض برای واشنگتن در منطقه مهم نیست (Gause, 2014: 23). یکی از اصول اساسی راهبرد آمریکا بر پایه جلوگیری از برتری منطقه‌ای و به عبارت دقیق‌تر یک هژمون منطقه‌ای دشمن است. از این منظر، آمریکا به دنبال جلوگیری از هژمونی رقیبانی است که می‌توانند ایالات متحده را با چالش مواجه کنند. از آنجاکه اتحاد راهبردی ایران با کشورها و دولت‌های هم‌پیمان به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و به خصوص



تأثیرگذاری ایران بر مسائل شرق مدیترانه از جمله مسئله فلسطین - اسرائیل در پیوند با حماس و همچنین حزب‌الله منجر شده است، منافع راهبردی منطقه‌ای امریکا ایجاب می‌کند که این اتحاد راهبردی به‌وسیله تغییر رژیم در سوریه دچار فروپاشی شود و در نتیجه موازنه قدرت در منطقه به ضرر اتحاد جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان تغییر کند (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۵).

روسیه

روسیه نگاهی محافظه‌کارانه به تحولات صورت‌گرفته در کشورهای منطقه دارد (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲: ۸۲). در بُعد جهانی سیاست خارجی روسیه متشکل از دیدی متمایز از نظم جهانی است که تقریباً می‌توان آن را با پاسخ به دو پرسش اساسی زیر خلاصه کرد: چه کسی در عرصه بین‌المللی تصمیم‌ها را می‌گیرد؟ و چگونه این تصمیمات گرفته می‌شود؟ روسیه می‌خواهد یک جهان چندقطبی را شکل دهد که به شکلی یک‌جانبه تحت سلطه امریکا نباشد و در آن روسیه یکی از مراکز قدرت باشد. روسیه مصمم است که یک نقش در سیاست جهانی ایفا کند و اگر تنها نقش در دسترس، یک نقش منفی باشد (حمایت از رژیم سوریه)، ترجیح می‌دهد این نقش را ایفا کند تا اینکه خارج از بازی قدرت باقی بماند.

ازمنظردیگر، دولت فعلی سوریه در حال حاضر یک کارویژه اصلی برای روسیه دارد و آن پرستیژ یک پایگاه دریایی در بندر طرطوس است که آخرین پایگاه روسیه ورای مرزهای شوروی پیشین است (Galpin, 2012: 5). دسترسی راهبردی روسیه به دریای مدیترانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا روسیه به‌دنبال گشودن راهی به سمت اقیانوس هند و تأمین امنیت بیشتری برای جبهه جنوبی خود است. مسکو به دلیل احساس محاصره‌شدن به‌وسیله اعضای اتحاد طرفداران غرب درون کشورهای هم‌سود، درصدد فرار از محاصره و پیدا کردن متحدانی در جنوب کشور خویش است (Kervtz, 2010: 5). پس سوریه می‌تواند یکی از ابزارهای قدرت روسیه در صحنه جهانی باشد و سقوط اسد می‌تواند یکی از ابزارهای نفوذ روسیه در تقابل با غرب و ناتو را از بین ببرد (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۵).



روش تحقیق

ماهیت پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و هدف از طرح تحقیق این است که سیاسیون و دکترین دفاعی حضور مستشاری نیروهای ایرانی را در منطقه و پیامدهای آن را در امور سیاسی - نظامی در ابعاد ژئوپلیتیک، نظامی، اقتصادی و اجتماعی بررسی کرده و همین‌طور با شناخت این ابعاد و مؤلفه‌های تأییدشده در بخش تحلیلی خبرگزاری‌های داخلی و خارجی بتوانند آینده سیاسی - نظامی ایران را در راهبردی‌ترین منطقه (غرب آسیا) با وجود تأثیر هزینه‌های مالی و معنوی که در امور داخلی و خارجی برای رسیدن به آن طرح هدف مهم (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی منطقه) وجود دارد، تضمین و به نحو احسن پیاده کنند. با این حضور و شناخت مناسب ابعاد و مؤلفه‌های آن است که امنیت داخلی و آینده سیاسی - نظامی ایران در چشم‌انداز آینده منطقه حفظ می‌شود.

روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع، کتابخانه‌ای (اسنادی) است که جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات، پیشینه پژوهش شامل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع از جمله: روزنامه‌ها (کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، رسالت...)، کتاب‌ها، مجلات تخصصی، بانک‌های اطلاعاتی و خبرگزاری‌ها در ضمن تأثیرگذاری مؤلفه‌های هریک از ابعاد برای تبیین نقش حضور مستشاری ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا و پیامد آن در آینده سیاسی - نظامی ایران از بخش تحلیلی خبرگزاری‌های داخلی (ایسنا، فارس، جماران، مهر، تابناک، ایرنا، تسنیم، رنا، ایلنا، خبر آنلاین، برنا و...) و خبرگزاری‌های خارجی (العالم، sputnik، dwnews، parstoda، alwaght، bbc news، euronews، avapress) استفاده شده است. پژوهشگر ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش خود را بر مبنای "تحلیل محتوای تلفیقی" که ترکیبی از تحلیل محتوای کمی و کیفی است، بنیان نهاده است. این ابزار یک مورد خاص در تحقیق مشاهده‌ای و تحقیق تاریخی اسنادی است که برای توصیف بهتر موضوع پژوهش و شناخت وضعیت بهتر مؤلفه‌های انتخاب‌شده در ابعاد ژئوپلیتیک، نظامی، اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود که در ابتدا به ترتیب برای شناخت مؤلفه‌های هر کدام از ابعاد و تبیین مناسب ابزار گردآوری اطلاعات به تشریح و توضیح جنبه‌های آنها در ذیل می‌پردازیم.



توصیف نحوه تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های تحقیق

برای تبیین نقش حضور مستشاری ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا و پیامد این حضور در آینده سیاسی - نظامی ایران ابعادی مشخص و برای هر کدام مؤلفه‌هایی تعیین شد، از جمله:

ژئوپلتیک: حمایت از حکومت‌های همسو، نابودی رژیم صهیونیستی، مقابله با تجزیه منطقه، جلوگیری از گسترش قلمرو تکفیری‌ها، مقابله با سیاست‌های امریکا و رژیم صهیونیستی.

نظامی: طرح هدف مهم (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی غرب آسیا)، دفاع از جبهه مقاومت، مقابله با طرح خاورمیانه بزرگ، آموزش نیروهای مردمی، دفاع پیشگیرانه در خارج از مرزهای سیاسی.

اقتصادی: حمایت مالی از جبهه مقاومت، تحمیل هزینه بر بودجه نظامی، پل ارتباطی برای کمک لجستیکی ایرانی.

اجتماعی: تثبیت ایدئولوژی شیعه، حمایت از اقلیت‌های مذهبی (تشیع)، حاکم کردن فرهنگ انقلاب و مقاومت.

در ضمن مؤلفه‌های ابعاد مطرح شده براساس نظریه‌های (واقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌نگاری و هرج‌ومرج سازنده) و نیز بر مبنای دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و بر مبنای شاخص‌های مربوط به تحلیل‌های سیاسی تحلیل‌گران حوزه سیاسی استفاده شده است.



یافته‌های پژوهش

جدول فراوانی ابعاد و مؤلفه‌ها

جدول ۱. نسبت فراوانی مؤلفه‌های هریک از ابعاد پژوهش طی دوره مطالعاتی ۱۳۸۵ - ۱۳۹۷

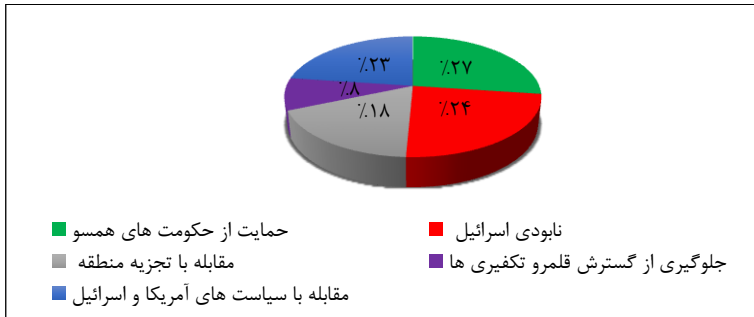
تعداد مورد جستجو	مؤلفه‌های پژوهش	ابعاد پژوهش
۳۸	حمایت از حکومت‌های همسو	ژئوپلیتیک
۳۳	نابودی رژیم صهیونیستی	
۲۵	مقابله با تجزیه منطقه	
۱۲	جلوگیری از گسترش قلمرو تکفیری‌ها	
۳۲	مقابله با سیاست‌های امریکا و رژیم صهیونیستی	
۵۳	طرح هدف مهم (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی خاورمیانه)	نظامی
۱۳	دفاع از جبهه مقاومت	
۱۷	مقابله با طرح خاورمیانه بزرگ	
۱۰	آموزش نیروهای مردمی	
۱۸	دفاع پیشگیرانه در خارج از مرزهای سیاسی	
۱۱	حمایت مالی از جبهه مقاومت	اقتصادی
۴	تحمیل هزینه بر بودجه نظامی	
۷	پل ارتباطی برای کمک لجستیکی ایرانی	
۱۴	تشبیت ایدئولوژی شیعه	اجتماعی
۸	حمایت از اقلیت‌های مذهبی (تشیع)	
۵	حاکم کردن فرهنگ انقلاب و مقاومت	

(مأخذ: نگارندگان)

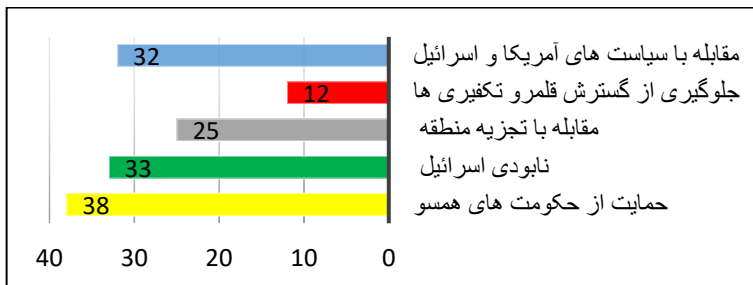
تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار

تحلیل بُعد ژئوپلیتیک

براساس نمودارهای بعد ژئوپلیتیک، تأثیرگذارترین مؤلفه بین دیگر مؤلفه‌های تعیین‌شده "حمایت از حکومت‌های همسو" با ۲۷ درصد و مقدار فراوانی ۳۸ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در جستجو به دلایلی از جمله عدم قرابت یافته‌های به‌دست‌آمده به‌ناچار باید جمله‌بندی مؤلفه براساس شرایط تعریف‌شده به این صورت ("حمایت ایران از کشورهای هم‌پیمان در خاورمیانه") تغییر پیدا می‌کرد.

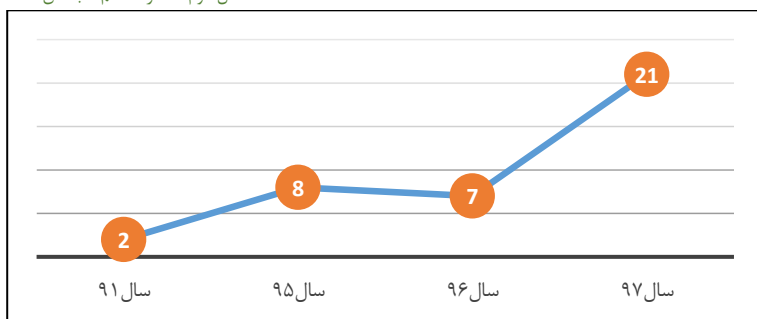


نمودار ۱. مقدار درصد مؤلفه بعد ژئوپلتیک در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها
(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۲. مقدار فراوانی مؤلفه بعد ژئوپلتیک در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها
(مأخذ: نگارندگان)

در روش تحلیل محتوای ترکیبی که براساس بررسی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها به عمل آمد، مشخص شد که بیشترین حساسیتی که خبرگزاری‌ها به این مؤلفه پرداخته بودند، در روند تغییرات زمانی بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ بود که در بعد ژئوپلتیکی ایران حضورش را در غرب آسیا پایه حمایت از جبهه‌های هم پیمان از جمله، سوریه، عراق، حزب‌الله و یمن بنا نهاده است.



نمودار ۳. روند تغییرات زمانی مؤلفه بعد ژئوپلیتیک در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها
(مأخذ: نگارندگان)

حمایت ایران از حکومت‌های همسو که همان کشورهای جبهه مقاومت به رهبری ایران و امروز به مرکزیت سوریه و جبهه‌های دیگری چون عراق، حزب‌الله و حتی یمن خود نمایی می‌کند، این حمایت و حضور مطرح‌شده ایران در قالب حضور مستشاری حکایت از گستردگی در پیمودن و تسخیر هرچه سریع‌تر مرزها در منطقه راهبردی برای رسیدن به اهداف مدنظر و بلندمدت دارد. به استناد صحبت‌های مسئولین تراز اول برخی کشورهای منطقه غرب آسیا از جمله سردمداران عربستان سعودی که در سال ۱۳۹۶ علناً اعلام کردند «جنگ را به داخل ایران می‌بریم» به آن معناست که برخی کشورهای عربی منطقه با حمایت امپریالسم جهانی (امریکا) و به‌خصوص رژیم صهیونیستی که نقش اهرم حمایتی و مشورتی را از این کشورهای منطقه داشته است، از حضور ایران و حمایتش در منطقه در آن سوی مرزهای سیاسی و بین‌المللی که سوریه امروز نقشش را به عنوان مرکز جبهه مقاومت و حزب‌الله لبنان که نظام جمهوری اسلامی از آنها در قالب انواع کمک‌های مستشاری حمایت می‌کند، بر منافع ملی خود بیم دارند. کشور سوریه و حزب‌الله لبنان نزدیک‌ترین مرزهای راهبردی را از سمت شمال و شمال شرقی با مرزهای فلسطین که رژیم صهیونیستی به اشغال خود در آورده است دارند و همین‌طور عربستانی که از سمت مرزهای جنوبی خود حضور انصارالله (حوثی‌ها) که امروز حکومت یمن و تنگه راهبردی باب‌المندب را عهده دارند، بر منافع و امنیت خود واهمه داشته و امروز ادعای رهبری جهان عرب را در منطقه در ذهن می‌پروراند، در طول یک دهه گذشته، تخاصم بسیاری با نظام ولایت‌فقیه

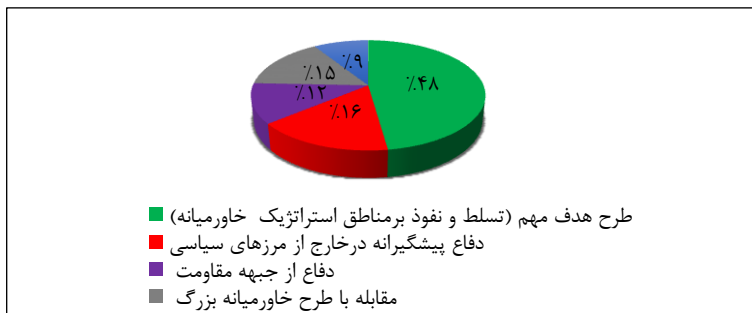


جمهوری اسلامی ایران پیدا کردند. اینان به همراه آمریکا از این حضور و حمایت‌های ایران از هم‌پیمانان همسو و هم‌جبهه خود در منطقه که منافع و امنیت آنان را به خطر می‌اندازد، بس هراسانند و به قول رهبر نظام جمهوری اسلامی اگر از عراق و سوریه در مقابل جبهه مقابل و مخالف حمایت و حضور مستشاری پیدا نمی‌کردیم، باید در داخل مرزهای سیاسی ایران این شاهد و مواجهه با این جبهه مخالف که هدف تشکیل و غرض نهایی خود را ضربه و سرنگونی نظام ولایت فقیه در ایران سرلوحه خود و حامیان فرمانطقه‌ای (امریکا) و منطقه‌ای (اسرائیل) و برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی قرار داده است، می‌بودیم.

حمایت ایران از جبهه مقاومت در منطقه راهبردی غرب آسیا از بعد بین‌المللی و حتی حکومت‌های عرب منطقه بازخوردها و فشارهای از حیث سیاسی و امنیتی است که به ایران تحمیل می‌کنند، اما این ناملایمتی‌ها در سطح منطقه به اندازه آن هدفی که نظام جمهوری اسلامی برای راهبردی خود در آینده تجسم کرده است، چه بین جامعه و چه بین نخبگان سیاسی، آنچنان خودنمایی نمی‌کند.

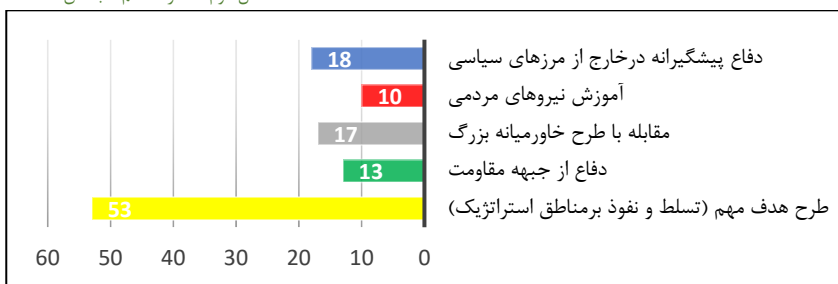
تحلیل بُعد نظامی

در این بُعد، همان‌طور که در نمودارهای زیر ملاحظه می‌کنید مؤلفه "طرح هدف مهم (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی خاورمیانه)" با ۴۸ درصد و مقدار فراوانی ۵۳ در روند تغییرات زمانی ۱۳۹۶ در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها داخلی و خارجی مورد تأیید و برای جستجوی یافته‌های مناسب ("تسلط و نفوذ ایران بر مناطق راهبردی خاورمیانه") مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.



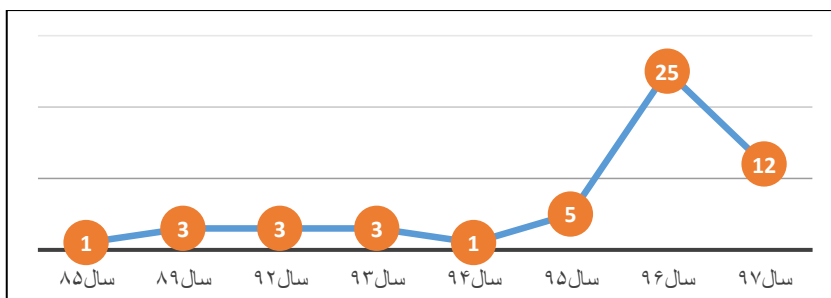
نمودار ۴. مقدار درصد مؤلفه بعد نظامی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۵. مقدار فراوانی مؤلفه بعد نظامی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۶. روند تغییرات زمانی مؤلفه بعد نظامی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)

تأیید این مؤلفه در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها نشان می‌دهد که ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا هدف عمده از حضور مستشاری مطرح خود را بر مبنای "طرح هدف مهم" یا همان تسلط و نفوذ بر منطقه راهبردی بنا نهاده است. تأیید این مؤلفه بین دیگر مؤلفه‌های بعد نظامی که بر اساس روش تحلیل محتوا در بخش تحلیل خبرگزاری‌های داخلی و خارجی مطرح شده، به معنای آن است که ایران با وجود ناامنی‌ها و تخاصم‌هایی که به وسیله برخی دول منطقه نزدیک مرزهای خود لمس می‌کند، ناچاراً باید پا را از محدودیت‌های سیاسی خود (مرزها) فراتر نهد تا در گردآب نقشه‌های شوم امپریالیسم جهانی به سردمداری امریکا و هم‌پیمانانش از جمله رژیم صهیونیستی و رهبرکشورهای اعراب منطقه (عربستان سعودی) اسیر نشود.

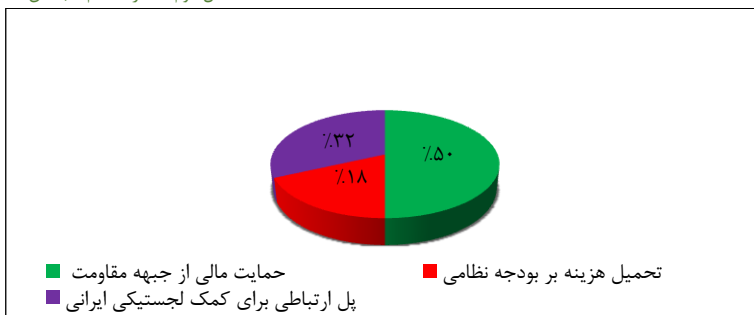
فراوانی این مؤلفه نسبت به دیگر مؤلفه‌ها در بعد نظامی یک نکته مهم را عیان می‌کند و آن این است که این مؤلفه از زمان شروع درگیری‌ها در منطقه راهبردی



غرب آسیا در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ (۶ بهمن ماه ۸۹) در اکثر خبرگزاری‌های ایران و جهان و به‌خصوص در منطقه خاورمیانه، عمده دلیل حضور ایران در خارج از مرزهای سیاسی و بین‌المللی‌اش را دنبال کردن "طرح هدف مهم" یا همان تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی غرب آسیا عنوان می‌کنند. همانا این طرح خود چراغ راه و چشم‌اندازی برای سیاست‌مداران نظام جمهوری اسلامی ایران برای آینده و هدف حربه‌ای است درمقابل طرح‌ها و برنامه‌های امپریالیسم جهانی از جمله "طرح خاورمیانه بزرگ" از سوی آمریکا در سال ۲۰۰۳ بعد از واقعه یازده سپتامبر که هدف عمده و پنهان خود را تجزیه منطقه و براندازی حکومت‌های مخالف، خصوصاً نظام ولایت فقیه ایران و تقسیم کشورهای دردرساز در منطقه به مانند ایران به کشورهای کوچک‌تر است که در آینده بلعیدنشان با هزینه اندکی همراه می‌باشد.

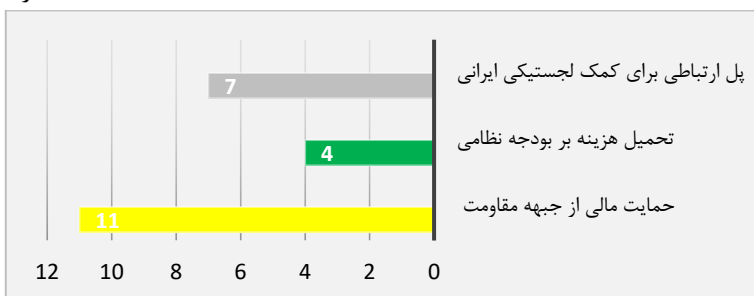
تحلیل بعد اقتصادی

در تحلیل مؤلفه‌های بعد اقتصادی با جستجوی جمله ("حمایت مالی ایران + سوریه + حزب الله + یمن + عراق") در روش تحلیل محتوای ترکیبی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها، مؤلفه‌ی حمایت مالی ایران از جبهه مقاومت با مقدار ۵۰ درصد نسبت به دیگر مؤلفه‌ها و مقدار فراوانی ۱۱ در روند تغییرات زمانی بین سال‌های ۹۵ تا ۹۷ که بیشترین توجه بخش تحلیلی خبرگزاری‌های داخلی و خارجی را به‌خود اختصاص داده است. تأیید این مؤلفه نشان می‌دهد که با وجود اعمال تحریم‌های اقتصادی که از سوی امپریالیسم جهانی و حتی برخی کشورهای متخاصم منطقه صورت گرفته است، باین‌حال، ایران برای محصورنشدن در داخل مرزهای سیاسی خود، باید امروز از کشورهایی که در زمان جنگ تحمیلی از کمک‌های خود دریغ نکردند و امروز درگیر تشنجات و درگیری‌های داخلی هستند، حمایت مالی کند. مؤلفه حمایت مالی از جبهه مقاومت یکی از مؤلفه‌هایی است که در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها مورد تأیید قرار گرفت و نشان می‌دهد که ایران با حمایت مالی خود درمقابل حمایت‌هایی که جبهه مقابل در منطقه انجام می‌دهد ایران هم درتقابل با جبهه مقابل برای رسیدن به اهداف خود در منطقه سرمایه‌گذاری می‌کند که در آینده به نتیجه و پیامد این حمایت مالی در منطقه دست یابد.



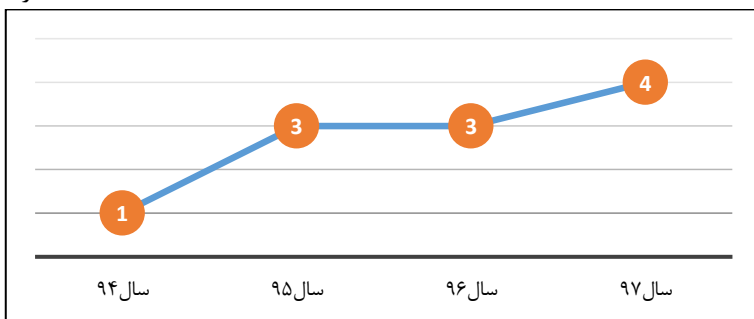
نمودار ۷. مقدار درصد مؤلفه بعد اقتصادی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۸. مقدار فراوانی مؤلفه بعد اقتصادی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۹. روند تغییرات زمانی مؤلفه بعد اقتصادی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)

بعضی از این کشورها از جمله سوریه، عراق، حزب‌الله لبنان و حتی یمن این ظرفیت را در منطقه راهبردی دارند که در آینده کمک‌های متقابل و حتی گزاف‌تر از کمک‌های ایران را برای ایران به‌ارمغان آورند. هرچند امروز نظام جمهوری اسلامی خود با مسائل حاد اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما باز از کمک و



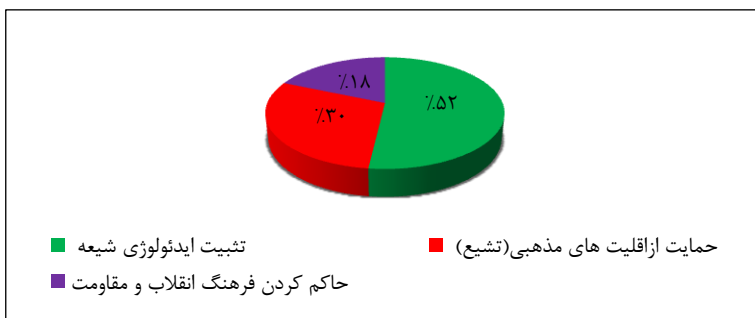
حمایت‌های مالی و مستشاری به هم‌پیمانان خود در منطقه دریغ نورزیده است. حمایت مالی از کشورهای جبهه مقاومت شاید فشارهایی روانی را در این بحبوحه وضعیت جنگ اقتصادی که بر کشور و مردم ایران تحمیل می‌کنند، محل تأمل باشد، اما این مهم را نباید فراموش کرد که این حمایت‌ها امروز و در آینده باعث شده و خواهد شد که جامعه اسلامی و نظام اسلامی نسبت به دیگر کشورهای منطقه از امنیت نسبتاً مطلوبی برخوردار باشد. دلیل آن هم حضور چشمگیر ایران در آینده در منطقه و حضورش در داخل کشورهایی است که ایران از آنها امروز حمایت می‌کند، کشورهایی که به جبهه مقاومت در منطقه شناخته می‌شوند و چه امروز و چه در آینده همین حضور ایران در این مناطق، مناطقی که اشتراکات مرزی با کشورهایی که امروز از ابعاد مختلفی با ایران در تخاصم هستند، دارد که نشان می‌دهد هرگونه تجاوزی از سوی هر کدام از حکومت‌های که مرز مشترک با هر یک از جبهه‌هایی که ایران در آنها حضور دارد، سر بزند، در همان منطقه و ورای از مرزهای بین‌المللی خود (ایران) درگیری‌ها و نزاع‌ها شکل خواهد گرفت، نه در مناطق مرزی مثل کرمانشاه و همدان. همین حضور ایران در این مناطق نشان می‌دهد که مرزهای امنیتی و حتی سیاسی را فراتر از مرزهای بین‌المللی خود تعریف کرده است. نمود سیاست این حمایت‌ها در آینده نزدیک نشان خواهد داد که خود یک سرمایه‌گذاری در بعد امنیتی - دفاعی در این کشورهای پرتنش منطقه بوده که این حضور و حمایت ایران در منطقه، خود سیاست دفاعی مناسب به دلیل کشاندن تنش‌ها، منازعات و درگیری‌ها به خارج از مرزهای سیاسی و بین‌المللی است که این حضور و حمایت‌های ایران از حکومت‌های همسایه در منطقه را توجیه می‌کند؛ حمایت‌ها و هزینه‌های مالی و جانی که شاید امروز در وضعیت نامناسب اقتصادی با مخالفت‌های احزاب و حتی عده‌ای در داخل همراه باشد، اما این در مقابل هزینه‌ها، مسائل و دسیسه‌هایی که شاید در آینده نزدیک در عرصه‌های سیاسی - نظامی گریبانگیر ایران می‌شود، چشمگیر نخواهد بود.

تحلیل بُعد اجتماعی

همان‌طور که در نمودارها ملاحظه می‌شود، مقدار درصد و فراوانی مؤلفه مدنظر در تحلیل بعد اجتماعی ابتدا جمله (ایران + "تثبیت ایدئولوژی شیعه در خاورمیانه") در بخش تحلیلی خبرگزاری مورد بررسی قرار گرفت. مؤلفه، تثبیت ایدئولوژی شیعه نسبت به دیگر مؤلفه‌ها با مقدار ۵۲ درصد مقدار فراوانی ۱۴ در

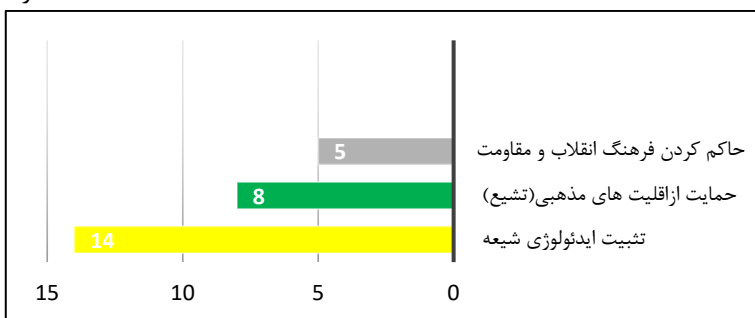


سال ۱۳۹۷ بیشترین توجه را در بخش تحلیلی رسانه‌های داخلی و حتی خارجی به این مؤلفه مهم نشان داد که ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ همچنان به دنبال صدور و تثبیت ایدئولوژی شیعه در منطقه می‌باشد.



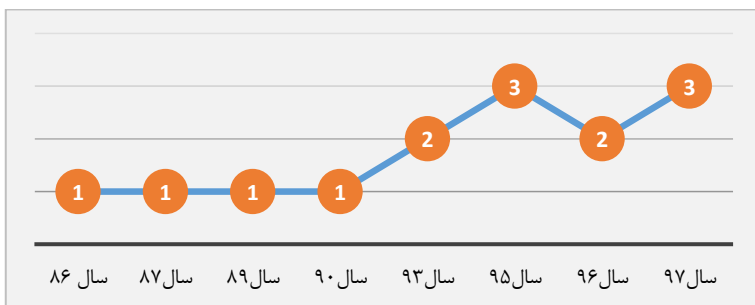
نمودار ۱۰. مقدار درصد مؤلفه بعد اجتماعی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۱۱. مقدار فراوانی مؤلفه بعد اجتماعی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۱۲. روند تغییرات زمانی مؤلفه بعد اجتماعی در بخش تحلیلی خبرگزاری‌ها

(مأخذ: نگارندگان)



تثبیت ایدئولوژی شیعه یا همان "هلال شیعی" اصطلاحی است که برای اولین بار عبدالله دوم پادشاه اردن در کاربردی «شیعه‌هراسانه» آن را برای بیان تمایلات ایران در منطقه به کار برد. تا منطقه امنی در آینده برای خود مهیا کنند.

امروز به طور ملموس ایران درمقابل گسترش دیگر مذاهب‌های مطرح در منطقه غرب آسیا که قرابت زیادی با مذهب شیعه دارند، در تلاش است که ایدئولوژی شیعه را در منطقه که اکثریت آن را مذاهبی از جمله اهل تسنن تشکیل می‌دهند، در کشورهای از جمله، یمن، حزب‌الله، سوریه و عراق تثبیت کند و این را باید اضافه کرد که صرف تثبیت ایدئولوژی شیعی در این مناطق به معنای تغییر مذهب نخواهد بود، چون مجالی برای این تغییر امروز وجود ندارد. تغییر مذهب سیر زمانی طولانی و برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی مناسب و حتی قدرت رسانه‌ای قوی را می‌طلبد، اما صرفاً غرض از رسوخ، نفوذ و سیطره، تثبیت ایدئولوژی و فرهنگ شیعه در مناطق سنی‌نشین می‌باشد. همین حضور و حمایت‌های ایران اگر از سوی مسولین، نخبگان، سیاسیون و حتی تصمیم‌گیرندگان در این مناطق درگیر تنش با عوامل و مجوزات مذهبی و بشردوستانه در عمل همراه باشد، این خود ارزنده‌ترین و مهم‌ترین علتی خواهد بود در نفوذ، سیطره و تثبیت ایدئولوژی شیعه و در آینده نزدیک شاهد پذیرش مستقیم و غیرمستقیم آن در بین جوامع اهل سنت خواهیم بود و همین امر موجب بالاتر رفتن وجهه سیاسی ایران و امنیت داخلی و بین‌المللی در منطقه خواهد شد. اما در گذشته شاهد بودیم که متأسفانه برخی از مشاوران ارشد نظامی درقبال این حضور مستشاری در جبهه‌های مقاومت، بهای این حضور و حمایت را از منابع زیرزمینی (فسفات) آن مناطق (سوریه) تقاضا کرده که این خود با آن نفس حضور مستشاری، بینش و ایدئولوژی شیعی همخوانی ندارد و این جهت‌گیری‌ها و عملکردها تأثیر سوء بر اهداف حضور مستشاری تعریف‌شده ایران در منطقه دارد و از همه مهم‌تر همین رفتارهای نسنجیده هدف تثبیت ایدئولوژی شیعی را در منطقه راهبردی به‌جد تحت شعاع قرار خواهد داد. تثبیت ایدئولوژی شیعی به همان اندازه که بحث هسته‌ای شدن ایران مطرح است، برای برخی کشورهای فرامنطقه‌ای و به‌خصوص برای کشورهای منطقه غرب آسیا از جمله؛ امارات، مصر و رژیم صهیونیستی که ندای از نیل تا فرات و عربستان سعودی که امروز خواب رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند، ترسناک و وحشت‌آور است. امروز و در آینده نزدیک، منطقه راهبردی غرب آسیا



بیشتر از هر زمان دیگری نیازمند حضور و تثبیت فرهنگ و ایدئولوژی شیعی در خارج از مرزهای بین‌المللی بین جوامع بشری منطقه غرب آسیا برای بالابردن امنیت ایران و کشورهای جبهه مقاومت، ضروری خواهد بود.

نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش حضور مستشاری ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا و پیامد آن در آینده سیاسی- نظامی ایران است که با وجود وضع حال جامعه اسلامی، نظام حکومتی، شرایط امروز منطقه و همسایگانی که تحت تأثیر امپریالیسم جهانی به سردمداری امریکا هستند و از نفوذ ژئوپلیتیکی، نظامی و ایدئولوژی آن بس هراس دارند، در پی روزنه‌ای برای ضربه زدن و خدشه وارد کردن به نظام "ولایت فقیه" می‌باشند. آنها "ولایت فقیه" را مهم‌ترین رکن و اساسی‌ترین عامل اتحاد و مانع از انحطاط حکومت جمهوری اسلامی می‌دانند. هراس واقعی بعضی از کشورهای همسایه و مخالف جمهوری اسلامی، هراس از همه‌گیر شدن فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی (ولایت فقیه) و تثبیت ایدئولوژی هلال شیعی در آینده بین کشورهای اهل تسنن در منطقه غرب آسیاست. باین وجود، امروز این منطقه راهبردی، لباس تزویر دین بر تن کرده و هرکدام از کشورها و گروه‌ها با این پرچم به دادخواهی برمی‌خیزند و البته ایران، پرچم راستین اسلام و دادخواهی مستضعفین در منطقه و رهبری جبهه مقاومت را برعهده گرفته است و باید بیش‌ازپیش به این پرچم راستین برای آن "طرح هدف مهم" اهتمام ورزد. براساس تفسیر سوره انفال (آیه ۵۳)، اگر حق اهتزاز این پرچم برای آن "طرح هدف مهم" (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی خاورمیانه) به نحو مناسب در سایه پرچم برافراشته‌شدن اسلام محقق نشود و از ریل صراط خود خارج شود، آن نعمت بزرگ (نفس پرچمداری اسلام راستین) خود در آینده نزدیک در منطقه، تبدیل به نعمت و هزینه و مانع از دستیابی ایران به آن "هدف مهم" خواهد شد و در آینده هزینه‌های گزافی را در ابعاد سیاسی - نظامی بر نظام و جامعه اسلامی ایران تحمیل خواهد کرد.

مؤلفه‌های تأییدشده هرکدام از ابعاد از جمله؛ بعد ژئوپلیتیک: مؤلفه "حمایت از

حکومت‌های همسو" با فراوانی ۳۸ و ۲۷ درصد؛

۱. بعد نظامی: مؤلفه "طرح هدف مهم" (تسلط و نفوذ بر مناطق راهبردی



خاورمیانه" با فراوانی ۵۳ و ۴۸ درصد؛

۲. بعد اقتصادی: مؤلفه "حمایت مالی از جبهه مقاومت" با فراوانی ۱۱ و مقدار

۵۰ درصد؛

۳. بعد اجتماعی با مؤلفه "تثبیت ایدئولوژی شیعه" با فراوانی ۱۴ و مقدار ۵۲

درصد.

این را نمایان می‌سازد که اگر فلسفه حضوری را که ایران در منطقه و در برخی جبهه‌های مقاومت تعریف می‌کند، صرف حضور مستشاری باشد و در متن آن تثبیت، القای درست و استوار بر موازین ایدئولوژیکی "ولایت فقیه" به جوامع منطقه باشد، بازخورد این عمل در آینده سیاسی - نظامی ایران روشن و موجب قوت و پابرجایی هرچه بیشتر انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی و حتی ایران اسلامی خواهد شد. اما اگر پرتو این حضور که برحسب وظیفه، قَبای اسلام را بهانه‌ای برای جوامعی که در آن حضور دارند، آمیخته به دخالت و القای ایدئولوژی شیعی بدانند که مغایر با پذیرش آن از سوی مردمان آن جامعه باشد، بیش از هر زمان دیگری پایه‌های مستحکم فلسفه وجودی "ولایت فقیه" و ایدئولوژی را که با خود محرک حضور مستشاری ایران در منطقه شده است، متزلزل خواهد کرد و این مهم را همان‌طور که امپریالیسم جهانی و برخی هم‌پیمانانش در منطقه با این مکر که امروز دیگر نه به دنبال براندازی حکومت، بلکه به دنبال تغییر مسیر سیاست حکومت ایران هستند، تسری می‌بخشد. از طرفی، برخی از تصمیم‌گیران داخلی شاید آگاهانه یا ناآگاهانه عاملی برای سرعت‌دهی به این هدف غایی امپریالیسم شوند که تضعیف اساس آن که "ولایت فقیه" و مهره‌های آن شاخصین تراز اول حکومت هستند، پیامد داخلی و منطقه‌ای دیگری به همراه خواهد داشت:

۱. تشنجات در بعد امنیت داخلی بین جامعه و احزاب سیاسی را که مخالف و

موافق این حضور بودند، در آینده به دنبال خواهد داشت. ۲. وجهه سیاسی - نظامی

ایران در منطقه با مسائلی همراه خواهد شد. ۳. دیدگاه مثبت داخلی و حتی

منطقه‌ای نسبت به نیروهای نظامی ایران از جمله ارتش و به‌خصوص سپاه پاسداران

که همواره نقش حضور مستشاری را در منطقه غرب آسیا عهده‌دار هستند، با

بدبینی زیادی همراه خواهد کرد. ایران در مقابله با اهداف امپریالیسم جهانی به

سردمداری آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه (رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی)

باید "طرح هدف مهم" را که همان تسلط و نفوذ در منطقه باشد، سرلوحه، هدف و



مسیر راه حضور مستشاری بیشتر از هر زمان دیگری قرار دهد. بقای سیاسی - نظامی انقلاب و حکومت اسلامی ایران به بقای صرف "ولایت فقیه" وابسته است، بقایی که متخصصین منطقه به نحو احسن حتی بهتر از برخی از احزاب و گروه‌هایی در داخل ایران به آن واقفند. ایران برای بقای این مهم، گستره حضورش را در منطقه باید صرفاً در سایه همان پرچم اسلام راستین بنا نهد.

بنابراین، براساس داده‌ها و یافته‌های به‌دست‌آمده، از مهم‌ترین و عمده‌ترین هدف حضور مستشاری ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا نه ایران، جامعه اسلامی، انقلاب اسلامی و حتی حکومت اسلامی، بلکه هدف و طرحی است درمقابل اهداف طرح‌های مطرح شده امپریالیسم جهانی که صرفاً برای ضربه‌زدن و براندازی "ولایت فقیه" می‌باشد، چون فقط با حفظ "ولایت فقیه" است که ایران، جامعه اسلامی، انقلاب اسلامی و حتی حکومت اسلامی ایران باقی خواهد ماند.

منابع فارسی

- قرآن کریم

- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۱۱/۰۵)، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم.

- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۵/۲۴)، بیانات در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم.

- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳/۰۹/۳۰)، بیانات در دیدار کارگزاران حج.

- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۰۸/۰۸)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام.

- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۳/۱۰)، بیانات در دانشگاه افسری امام

حسین(ع).

- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۳/۱۴)، بیانات در مراسم بیست‌ونهمین سالگرد رحلت امام خمینی(رحمه‌الله).

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، تحول مفهوم مداخله بشردوستانه در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۴.

- باقری، محسن و بصیری، محمدعلی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه حزب‌الله لبنان با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری و نواقع‌گرایی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۰.

- بی‌نام (۱۳۲۳)، مجله یادگار، سال اول، ش ۲.



- ترابی، قاسم و محمدیان، علی (۱۳۹۴)، تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درقبال بحران سوریه ازمنظر واقع‌گرایی تدافعی، **فصلنامه سیاست‌پژوهی**، دوره دوم، ش ۳.
- جان‌پرور، محسن؛ حسینی، سیده‌سمیره و مرادی، اسکندر (۱۳۹۶)، تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر مداخله بشردوستانه براساس دیدگاه‌ها و نظریه‌های ژئوپلیتیک و مداخله بشردوستانه، **مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی**، سال دوم، ش ۱.
- جعفری، محمدعلی (۱۳۹۶)، **ایران به یمن "کمک مستشاری" می‌کند**، خبرگزاری تسنیم، ۹/۲، <http://tn.ai/1581804>
- جمعه‌ای، روح‌الله (۱۳۸۸)، **طرح خاورمیانه بزرگ**، انتشارات ایرنا.
- جوانی، یدالله (۱۳۹۴)؛ **شهادی مدافع حرم مدافعی عزت، استقلال و امنیت کشورند**، بی‌جا، بی‌نام.
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۶)؛ زمینه‌های مداخله نظامی دولت پهلوی دوم در بحران ظفار (۱۳۵۷ - ۱۳۵۱ ش.)، **فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)**، سال بیست و دوم، دوره جدید، ش ۱۳، پیاپی ۹۹.
- حاتمی، تورج (۱۳۸۲)، **برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: انتشارات خورزن.
- حمدالفتلاوی، مهدی (۱۳۸۶)، **سقوط اسرائیل**، چاپ سوم، تهران: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
- حیدری، حمید (۱۳۷۶)؛ **توسل به زور در روابط بین‌الملل**، تهران: اطلاعات.
- خبرگزاری ایرنا، (۱۳۹۷)، **ایران تنها دلیل در قدرت ماندن اسد است**، کد خبر ۰۵/۳، ۸۲۹۸۰۸۹۶(۶۵۹۲۶۳۰)
- خسروشیری، علی و جوان، مصطفی (۱۳۸۸)، **ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان: تأثیرات و پیامدها**، **فصلنامه مطالعات بسیج**، سال دوازدهم، ش ۴۲.
- دانش آشتیانی، محمدباقر و رستمی، علی (۱۳۹۵)، **تحلیلی بر دکرترین نظامی - دفاعی مقام معظم رهبری فرماندهی کل قوا در محیط ملی و بین‌المللی**، **فصلنامه علوم و فنون نظامی**، سال دوازدهم، ش ۳۶.
- دهشیری، محمدرضا و مشتاقی، الله‌کرم (۱۳۹۴)، **بررسی منابع تأثیرگذار بر سیاست خارجی و راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی پس از تحولات بیداری اسلامی**، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دوازدهم، ش ۴۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و آجورلو، حسین (۱۳۹۲)، **سیاست جدید رژیم صهیونیستی درقبال بحران سوریه**، **فصلنامه فلسطین**، ش ۲۱ - ۲۰.
- راعی، مسعود (۱۳۸۷)، **دخالت‌های بشردوستانه و حقوق بشر**، قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۷)، **دولت و حکومت در ایران**، تهران: نشر شمع.



- روزنامه خراسان (۱۳۹۳)، تلاش‌های گسترده‌ای را برای وحدت جبهه خود از سر گرفته‌اند، شماره: ۱۲/۱۲، ۱۸۹۲۲.

- روزنامه خراسان (۱۳۹۳)، هدف ائتلاف، تجزیه عراق است، ش: ۱۸۸۰۷، ۷/۲۰.

- روزنامه خراسان (۱۳۹۴)، دخالت‌های ناتمام، ش: ۱۹۱۳۵، ۹/۱۴.

- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و تداوم بین‌المللی، چاپ اول، تهران: سمت.

- زیباکلام، سعید (۱۳۹۴)، انحلال انقلاب در نظام استکباری، قم: انتشارات شهید کاظمی.

- سعد غریب، امل (۱۳۸۴)، دین و سیاست در حزب‌الله، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران:

اندیشه‌سازان نور.

- سلامی، حسین (۱۳۹۴)، نیروهای ایرانی در صحنه‌های نبرد سوریه حضور دارند،

خبرگزاری فارس، حوزه امنیتی - دفاعی ۰۸/۰۴ <http://fna.ir/O8ZOIY>

- عاقلی، باقر (۱۳۸۳)، تاریخچه شنیدنی مستشاران خارجی در ایران، فصلنامه باد، ش ۷۴،

تهران: اکونومیست.

- عباسی، مجید (۱۳۹۳)، مداخلات بشردوستانه و حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه امام

صادق (ع).

- عباسی، مجید و محمدی، وحید (۱۳۹۲)، تبیین رئالیستی منازعه بین‌المللی قدرت در

سوریه و پیامدهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه ایرانی سیاست

بین‌الملل سال اول، ش ۲.

- عراقی، عبدالله (۱۳۹۴)، نقش حزب‌الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)

باتأکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و

چهارم، ش ۹۳.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، حمایت از مبارزه حق‌طلبانه

مستضعفین در هر نقطه از جهان (اصل ۱۵۴)، فصل دهم، سیاست خارجی، چاپ چهارم

(ویرایش دوم)، تهران: انتشارات امور تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ شانزدهم،

تهران: انتشارات سمت.

- قوام، عبدالعلی و نجفی سیار، رحمان (۱۳۹۲)، ارتقای مفهوم مداخله بشردوستانه در بستر

نظریه‌های روابط بین‌الملل (باتأکید بر مکتب انگلیسی)، پژوهش روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره

۲۴.

- کاکایی، عباس و سالاری، مریم (۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در

لبنان، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

- کریملو، داوود (۱۳۷۴)، جمهوری یمن، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.



- گلشنی، علی‌رضا و باقری، محسن (۱۳۹۱)؛ جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه تحقیقاتی و بین‌المللی**، ش ۱۱.
- متقی، ابراهیم و سعیدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی بین‌المللی**، سال ششم، ش ۲۴.
- مشرق، (۱۳۹۴)، **فعالیت مستشاری ایران در سوریه و عراق چگونه است؟**، کد خبر ۰۸/۱۸، ۴۹۲۹۱۲
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، سیاست‌گذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره چهارم، ش ۳.
- مطالعات راهبردی (۱۳۸۷)، **طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف و چشم‌انداز**، ۵/۲۱، www.isrjournals.com
- معین‌الدینی، جواد (۱۳۸۶)، طرح خاورمیانه بزرگ: الگوهای نوسازی بومی و گسترش هم‌گرایی منطقه‌ای، **دانشنامه حقوق و سیاست**، شماره ۷.
- مفیدی احمدی، حسین (۱۳۹۴)، اشاعه هنجارهای حقوق بشری از چشم‌انداز نظریه‌های روابط بین‌الملل (مطالعه موردی: دکترین مسئولیت حمایت)، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال هفتم، شماره ۲۷.
- نظامی‌پور، قدیر؛ شادمانی، مهدیه و اخوان، منیژه (۱۳۹۵)، ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران، **فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)**، سال پنجم، ش ۱۸.
- نیاکوئی، سیدامیر و بهمنش، حسن (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکرد ها، **فصلنامه روابط خارجی**، سال چهارم، ش ۴.
- نیاکوئی، سیدامیر و اعجازی، احسان (۱۳۹۵)، واکاوی بحران امنیتی در یمن: علل و زمینه‌ها (۲۰۱۶ - ۲۰۱۱)، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، ش ۲۸.
- هاشمی، سیدمصطفی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا و سرور، رحیم (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، ش ۲۸.
- هراتی، محمدجواد؛ سلیمانی، رضا و عبادی، عبدالواحد (۱۳۹۴)، بازتاب نظم سیاسی جدید عراق بر روابط دو جانبه بین ایران و عربستان، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره چهارم شماره ۱.
- هفته‌نامه ترکیش ویکلی (۱۳۹۲)، **تئوری امریکایی «هرج‌ومرج هدایت‌شده» برای سلطه بر منطقه چیست؟**، خبرگزاری yjc، کد خبر، ۹۳۰۴۵۱۹۶۲۷، <https://www.yjc.ir/00IxlD>
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)، **سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۰۰ - ۱۳۵۷)**، تهران، البرز، انتشارات پیکان.



فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی
سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۸

– یوسفی، جعفر (۱۳۹۵)، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه و عراق،
مجله علمی – تخصصی پژوهش ملل، دوره اول، ش ۴.

منابع لاتین

- Galpin, Richard (30 January 2012), “Russian Arms Shipments Bolster Syria's Embattled Assad”, BBC News, Vol.1, No.30.
- Gause, Gregory (2014), “Beyond Sectarianism: The New Middle East ColdWar”, Brookings Doha Center Analysis Paper, No.11: 1-27.
- Kreutz, Andrej (November 2010) Syria: Russia's best Asset in the Middle East, IFRI, Russia NIS Centre.